



عملیات تاخت گمجن عشایری

سرتیپ ۲ ستاد جهانگیر جمیلی

۱۳۹۰

سرشناسه: جمیلی ، جهانگیر ، ۱۳۲۶ -
عنوان و نام پدیدآور: عملیات تاخت گمجن عشایری/نویسنده جهانگیر جمیلی؛ [تهیه کننده]
هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»
مشخصات نشر: تهران: ایران سبز، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۱۱۶ ص.
شابک: ۲۰۰۰ ریال: ۱-۸۴-۷۶۰۷-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- عملیات گمجن
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- خاطرات
شناسه افزوده: ایران. ارتش. هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی
رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ج ۸ / گ ۱۶۰۶ DSR
رده بندی دیویی: ۰۸۴۳ / ۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۰۹۱۸۰

نویسنده : سرتیپ ۲ ستاد جهانگیر جمیلی

نوبت چاپ / سال : اول / ۱۳۹۰

شماره شابک : ۱-۸۴-۷۶۰۷-۹۶۴-۹۷۸

شمارگان: ۲۰۰۰

ناشر: انتشارات ایران سبز

مرکز پخش: تهران صندوق پستی ۱۹۵۷۵-۵۵۴ تلفن: ۲۲۴۸۸۷۵۶ نمابر: ۲۲۴۸۸۶۵۰

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

حق چاپ برای هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» محفوظ است .

«این کتاب را به ارواح طیبه شهدای
جنگ تحمیلی و روان پاک برادر عزیزم
علی جمیلی، مهندس برجسته سد کرخه
که در راه آبادانی و اعتلای ایران به هنگام
بازگشت از مأموریت جان باخت و تنها فرزند
به جامانده از او
نگار،

همسر و فرزندانم

تقدیم می دارم.»

همکاران

سر تیب ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا امور فنی، آماده سازی، نشر

محمد رضا خزاعی
ستوان دوم میلاد خسروی
طرح جلد
صفحه آرایی

سر تیب دوم ستاد جهانگیر جمیلی نویسنده

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از بازیاخته‌ها، ذخایر و دست آوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

سازمان افتخاری «هیئت معارف جنگ» که از پاییز سال ۱۳۷۳، با بنیانگذاری امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» و حمایت‌های مادی و معنوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخار آمیز را که با گرایش «پژوهشی - آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خدا دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت کرده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشته‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده و در نهایت بعد از تطبیق آنها با مدارک و اسناد جبهه‌های نبرد در مسیر تدوین قرار داده‌اند.

آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت آموزش نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای هر سه دانشگاه افسری زمینی، هوایی و دریایی به اجرا در آمده و تا زمان چاپ این کتاب ادامه دارد و به یاری پروردگار ادامه خواهد داشت.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

معرفی نویسنده



در سال ۱۳۲۶ در تهران متولد و پس از پایان تحصیلات ابتدائی و متوسطه و اخذ دیپلم ریاضی در سال ۱۳۴۶ وارد دانشکده افسری گردید. بعد از فارغ التحصیلی به رشته توپخانه اختصاص داده شد.

در طول خدمت دوره مقدماتی توپخانه و دوره عرضی پدافند هوایی و افسر رابط هوایی در نهاجا و « ش م ه » و دوره عالی توپخانه را طی نمود. در سال ۱۳۷۰ موفق به طی دوره دانشکده فرماندهی و ستاد گردید.

در مشاغل سرپرست و معاون آتشبار ، فرمانده آتشبار ، افسر عملیات گمجن عشایری ، جانشین فرماندهی گمجن عشایری ، رئیس لجستیک پشتیبانی سماجا ، رئیس رکن سوم لشکر ۵۸ تکاور ذوالفقار ، سرپرست و معاون توپخانه لشگری و فرمانده توپخانه لشگری لشگر ۵۸ انجام وظیفه نموده است.

پس از طی دوره دافوس در معاونت عملیات و اطلاعات نزاچا و سپس در سمت مدیر سازمان معاونت طرح و برنامه نزاچا انجام وظیفه و پس از ۳۲ سال خدمت در سال ۱۳۷۸ به افتخار بازنشستگی نائل آمد.

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۰	معنا و مفهوم گمجن
۱۱	ماموریت سازمان بسیج عشایری
۱۲	خلاصه ای از عملیات گمجن عشایر غرب کشور
۱۶	کلیات
۱۸	وضعیت عمومی
۱۹	نیروهای دشمن
۱۹	نیروهای خودی
۱۹	یگانهای همجوار گمجن
۲۰	اقدامات دشمن
۲۱	تک دشمن
۲۳	نتیجه تک دشمن
۲۳	اجرای پاتک توسط تیپ ۳
۲۴	تبلیغات دشمن
۲۴	اقدامات گمجن
۲۵	مفهوم و معنی لفظ تاخت
۲۵	تاخت(دستبرد)
۲۶	سازمان تاخت
۲۸	اجرای عملیات تاخت به دشمن
۳۰	مرحله اول- شناسایی و تعیین محل تاخت
۳۱	مرحله دوم- تهیه طرح

۳۴	مرحله سوم - تمرین
۳۴	مرله چهارم - اجرای عملیات
۳۷	فرماندهی تاخت
۴۳	دستورات هماهنگی
۴۴	وقایع و حوادث تلخ و شیرین قبل از عملیات
۶۰	خاطرات رزمندگان
۶۴	حوادث و رویدادهای بعد از عملیات
۶۷	نتایج عملیات
۷۰	یادی از شهدا و جانبازان
۷۵	اطلاعیه ستاد مشترک ارتش
۷۹	متن تقدیر نامه قرارگاه عملیاتی غرب
۸۱	عکس ها
۱۰۷	نقشه
۱۱۱	نمایه

هر که بر خاک وطن حمله برد ؛

سینه اش خنجر رستم بدرد ،

گر چه سهراب بود

گمجن عشایر غرب کشور عنوان بسیج عشایری غرب کشور در جنگ تحمیلی است که در آغاز تهاجم سراسری عراق به ایران در اجرای فرمان امام (ره) توسط ستاد مشترک در منطقه عملیاتی غرب کشور تشکیل گردید. در آغاز جنگ تحمیلی ستاد مشترک ستاد هماهنگ کننده فرمانده کل قوا بود که هدایت کلی عملیات و نظارت بر سیر حوادث جبهه ها را به عهده داشت. سازمان دهی بسیج عشایر غرب کشور ماموریتی خارج از شرح وظایف ستاد مشترک و صرفاً بنا به موقعیت خطیر جبهه ها و اجرای دستور امام خمینی (ره) بود. مسئولیت اجرای این ماموریت خطیر به این جانب سرگرد پیاده ستاد محمود رستمی محول گردید که در تاریخ ۵۹/۷/۷ با ۵۷ نفر از کارکنان ستاد مشترک (افسر ۷ نفر - درجه دار ۲۰ نفر - کارمند ۳ نفر - سرباز ۲۷ نفر) به غرب کشور عزیمت و نسبت به سازماندهی و تجهیز آنان اقدام نمودم.

معنا و مفهوم گمجن

(گمجن) یا به طور اختصار گروه رزمی مشترک جنگ‌های نامنظم یکی از فرماندهی‌های تابعه فرمانده صحنه عملیات است که در پشتیبانی از جنگ نامنظم سازماندهی می‌گردد. در یک صحنه عملیات، عملیات جنگ‌های نامنظم در مقیاس وسیع و طولانی نیاز به یک سازمان فرماندهی و کنترل در سطح صحنه دارد که به نام (فرماندهی مشترک جنگ‌های نامنظم) نامیده می‌شود. چنانچه عملیات جنگ‌های نامنظم در مقیاس و مدت محدود باشد یک (گروه رزمی مشترک جنگ‌های نامنظم) به وجود می‌آید. اگر منظور فقط طرح‌ریزی باشد ممکن است (ستاد عملیات جنگ‌های نامنظم) در رده صحنه عملیات ایجاد شود.

فرماندهی گمجن در مقابل فرمانده صحنه پاسخگوی نیازمندی‌های جنگ‌های نامنظم بوده و نسبت به عناصر متشکله گمجن فرماندهی عملیاتی دارد. فرماندهی گمجن هدف‌های کلی و دور برد جنگ‌های نامنظم را بر مبنای هدف‌های صحنه و خط مشی سیاسی و مقاومت به فرماندهی صحنه پیشنهاد می‌نماید. فرماندهی گمجن برای به کار بردن نیروهای جنگ‌های نامنظم با سازمانهای اطلاعاتی در تماس نزدیک و مداوم بوده و اطلاعات کسب شده را قبل از شروع عملیات سریعاً در اختیار این نیروها گذاشته و این عمل را پس از درگیری نیز ادامه خواهد داد. به طور خلاصه فرماندهی مشترک جنگ‌های نامنظم قرارگاه مشترکی است با نمایندگان ستادی همه نیروهای جنگ نامنظم (ارتش جمهوری اسلامی ایران) و نمایندگی‌های غیر نظامی و عناصر پشتیبانی خدمات رزمی مربوط به خودشان را در بر می‌گیرد. یک گروه رزمی مشترک جنگ نامنظم ممکن

پیشگفتار / ۱۱

است به این منظور تشکیل شود که نیازهای جنگ نامنظم خاصی را مرتفع نماید. این گروه رزمی ممکن است تابع فرماندهی مشترک جنگ نامنظم بوده یا مشابه او عمل نماید. گروه رزمی مشترک جنگ های نامنظم شبیه فرماندهی مشترک جنگ های نامنظم سازماندهی می شود.

ماموریت سازمان بسیج عشایری

مستخرجه از دستورالعمل شماره ۲ قرارگاه عملیاتی غرب کشور (۲-۵۹-۲-۶۰۲ مورخه ۵۹/۸/۳)

بسیج عشایری غرب (متشکله از ایلات کلهر، سنجابی، گوران، قلخانی،

ولدبیگی، جالوند، سرفیروز آباد، ماهی دشت، زردلان، عثمانوند) ماموریت دارد:

۱- تامین منطقه بین محور کرمانشاه - اسلام آباد - قلاجه - سرچله (گیلانغرب) و ادامه آنها تا تنگ آب و کرمانشاه - قازانچی - شاینگان - میر آباد - بزمیر آباد و دشت ذهاب را برقرار نماید

۲- با اجرای عملیات دستبرد، ایدائی، شکار تانک در منطقه غرب کشور،

نیروهای منظم و نا منظم دشمن را در حد مقدمات فرسوده و مضمحل نماید.

۳- از نفوذ عوامل منظم و نا منظم دشمن به داخل منطقه خودی ممانعت به عمل آورد

۴- جناح راست لشکر ۸۱ زرهی را تامین نموده، بنا به دستور نسبت به رها نمودن و تعویض گردان های این لشکر اقدام نماید.

۵- پاسگاههای خلع سلاح شده، ژاندارمری گهواره، زابله (زاوله)، دوشمیان، بزمیرآباد را مجدداً فعال نموده و حاکمیت دولت را بر این مناطق تثبیت نماید.

۱۲/ عملیات تاخت گمجن عشایری

به فضل الهی و در زمان محدود گمجن عشایر غرب کشور توانست ضمن تامین خطوط مواصلاتی از همان آغاز جنگ شرکتی فعال و موثر در جنگ داشته باشند. اولین عملیات آنان تاخت نیروهای گمجن در ارتفاعات چرمیان و مقابله و دفع تک دشمن در مورخه ۵۹/۷/۱۴ در گیلانغرب بود که همچون رعد و صاعقه بر سر متجاوزین فرود آمد که جزئیات آن در روزنامه کیهان ۵۹/۷/۲۰ منعکس گردید.

خلاصه ای از عملیات گمجن عشایر غرب کشور

۱- پاکسازی و تجدید حاکمیت دولت بر منطقه وسیعی از غرب کشور در بیونیح و ارتفاعات پاطاق و تعویض یگان هائی از لشکر ۸۱ زرهی ، لشکر ۳۰ گرگان ، سپاه پاسداران ، ژاندارمری و.....

۲- پاکسازی متجاوز از دهها روستای مناطق قلخانی ، جوانرود و

۳- استقرار مجدد پاسگاههای خلع سلاح شده ژاندارمری شامل پاسگاه های گهواره ، زاوله دوشیمیان.

۴- اعزام بیش از صدها گشتی رزمی و شناسایی و به اسارت گرفتن تعدادی از متجاوزین عراقی

۵- شرکت در تک های محدود قرارگاه غرب

۶- شرکت موثر و پدافند در سخت ترین مناطق پدافندی غرب کشور شامل ارتفاعات بازی درازا ، تنگ حاجیان و ارتفاعات کهنه ریگ و گیسکه مندلی

۷- تعویض دهها گردان پیاده و زرهی یگان های نزاجا و تأمین خطوط مواصلاتی یگان های قرارگاه غرب

۸- تصرف ارتفاعات گاری واقع در دشت ذهاب بنا به توصیه سماجا

(طرح سابق تبوک ۷)

پیشگفتار / ۱۳

۹- پاسخ به نیاز قرارگاه غرب در مقاطع حساس جهت اعزام گشتی های رزمی و گرفتن اسیر جهت کسب اطلاعات .

۱۰- اجرای عملیات پوشش و فریب تاکتیکی همزمان با عملیات والفجر ۳ در منطقه مهران در یک دوره عملیاتی ۲۵ روزه با پیشروی و اشغال بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع در منطقه سومار و نفت شهر ، انهدام نیروهای دشمن همراه با غنائم نسبتاً زیاد و اسارت ۹ نفر از متجاوزین عراقی بدون هیچ گونه ضایعات و تلفات .

۱۱- پدافند در منطقه ای به عرض ۲۵ کیلومتر در منطقه عمومی

سومار ، نفت شهر

شایان ذکر است که این توفیقات به آسانی به دست نیامده بلکه با عنایت خداوند متعال و با اهدا خون صدها شهید و جانباز و با تحمل سختی ها و مرارت های بسیار و فداکاری و جانبازی سایر رزمندگان داوطلب ارتش که عموماً فرماندهی گردان ها و گروهان های عشایری را دوشا دوش عشایر جان بر کف به عهده داشتند ممکن گردید :

۱- افسران ، درجه داران ، سربازان و کارمندان داوطلب قرارگاه و ادارات

تابعه ستاد مشترک .

۲- افسران ، درجه داران ، سربازان و کارمندان داوطلب دژبان مرکز .

۳- عناصر داوطلب گروه مخابرات سماجا .

۴- عناصر داوطلب سازمان قضایی نیروهای مسلح .

۵- عناصر مامور و داوطلب اداره دارایی ارتش .

۶- روحانیون اعزامی از قم ، ستاد مشترک و منطقه غرب کشور .

۷- عناصر داوطلب اداره عقیدتی سیاسی نزا جا .

- ۸- عناصر داوطلب نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران (افسران- همافران- درجه داران- سربازان) .
- ۹- پزشکان و پزشکیاران داوطلب ستاد مشترک و دژبان مرکز
- ۱۰- افسران و درجه داران مامور از ژاندارمری کرمانشاه
- ۱۱- عناصر مامور از نزاجا (تیم های عملیاتی نوهده- دافوس - ترابری نزاجا- پشتیبانی منطقه ۱- لشکر ۸۱ زرهی - عناصر داوطلب هوانیروز کرمانشاه)

شایان ذکر است که فداکاری و جانبازی رزمندگان گمجن بویژه عشایر جان بر کف در جنگ تحمیلی تا آن حد مورد عنایت ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت اله خامنه ای قرار گرفت که ضمن تقدیر و تشویق از آنان در گردشکار مورخه ۶۴/۴/۴ سماجا ۴ مقرر فرمودند:

« برای عشایر دلیر و در عین حال محروم ، رسیدگی به مشکلات بی حد و بی حساب زندگی عشایری شایسته تر و تشویق آمیز تر است . برنامه تشویقی مناسبی در این جهت تهیه شود»

در پایان لازم به توضیح است که در اوائل سال ۶۴ مسئولیت کاربرد عشایر غرب کشور از سماجا به نزاجا و در ۶۶/۱/۱۵ به سپاه پاسداران محول گردید . در اهمیت نقش گمجن کافی است به این نکته اشاره شود که ، پس از واگذاری گمجن به سپاه پاسداران ، نیروی زمینی ناگزیر به کاربرد یک لشکر عملیاتی در منطقه پدافندی آنان گردید . ولی آنچه که این نقش در مقابل آن رنگ می بازد ، نقش روانی شرکت عشایر در جنگ تحمیلی و وحدت و همدلی آنان است که در تاریخ معاصر حتی در جنگ های جهانی اول و دوم مشاهده نشده است .

پیشگفتار / ۱۵

در مورد امیر سرتیپ دوم جهانگیر جمیلی به طور مختصر به بیان این مطلب بسنده می‌کنم که ایشان را برای اولین بار در سال ۵۸ در درجه سروانی در ستاد مشترک دیدم. نامبرده در زمره افسرانی از ستاد مشترک بود که چندین بار داوطلبانه در منطقه عملیاتی غرب کشور در گمجن عشایری انجام وظیفه نمود و در سال ۱۳۶۳ به عنوان جانشین فرماندهی گمجن منشاء خدمات شایسته‌ای گردید.

بعدها به عنوان رئیس رکن سوم لشکر ۵۸ تکاور ذوالفقار و سرانجام فرمانده توپخانه لشکری لشکر ۵۸ ذوالفقار تا سال ۱۳۶۹ در منطقه عملیاتی انجام وظیفه نمود. پس از طی دوره دافوس به ستاد نزاچا منتقل و در ستاد نزاچا به نحو موفقیت آمیزی انجام وظیفه نمود و بعداً به درجه امیری مفتخر گردید.

در پایان شایسته است به پویایی فکری و اراده امیر سرتیپ ۲ جهانگیر جمیلی درود فرستاد که در اقدامی شجاعانه و در زمانی حساس قبول مسئولیت و خطر نموده و نسبت به طرح ریزی و اجرای این عملیات (تاخت) اهتمام ورزیده است. این طرح ریزی یک نمونه بسیار عالی از اندیشه نظامی به حساب می‌آید توانایی فکری یک فرمانده در پیش بینی کلیه جزئیات عملیات که شامل فعالیت‌های خودی و عکس‌العمل‌های احتمالی دشمن است.

فرصت را مغتنم شمرده، با تعظیم و تکریم و به صد عز و احترام به ارواح پاک شهدای جنگ تحمیلی درود می‌فرستم که با نثار جان خود میهن عزیز را در یکی از سخت‌ترین وقایع تاریخی از مهلکه نجات دادند و تهدیدی که می‌توانست به شکست و ذلت و خواری ملت ایران منجر شود را دفع نمودند.

فرمانده گمجن عشایری غرب کشور در جنگ تحمیلی

سرتیپ پیاده ستاد محمود رستمی

کلیات

گمجن در آغاز جنگ تحمیلی مبادرت به برقراری امنیت و آرامش در منطقه نموده و پاسگاه های ژاندارمری خلع سلاح شده (گهواره، دوشمیان، زاوله، بزمیرآباد) را فعال و با ایجاد پایگاه های عملیاتی در ده سرخ، مله کبود، پالان، بزمیرآباد و متواری نمودن عناصر دشمن به آن سوی مرزها امنیت را در منطقه برقرار نمود و برای اولین بار اعزام نیرو و آماد رسانی یگان ها از طریق محور جوانرود، قلقله، بزمیرآباد انجام و این محور مواصلاتی به کنترل نیروهای گمجن در آمد و تأمین خطوط مواصلاتی برقرار شد.

در ادامه مأموریت، گمجن در کنترل عملیاتی یگان های نزاجا قرار گرفت و همگام با برادران ارتشی و سپاهی در کلیه عملیات های آفندی و پدافندی منطقه غرب شرکت نمود. از جمله تصرف و استقرار در ارتفاعات بازی دراز، قله (۱۰۰۸ و ۱۰۴۵) و سنبله و بانسیران و تنگ حاجیان و بخشی از ارتفاعات برآفتاب و ... که در سراسر این مناطق شهدا و جانبازان بسیاری تقدیم میهن اسلامی نموده است. در ۱۳۶۰/۴/۱۵ ارتفاعات گاری را تصرف و پدافند از آن را به عهده گرفت.

یکی از مخاطره آمیزترین مأموریت های گمجن پدافند و استقرار در ارتفاعات گیسکه و کهنه ریگ و تقدیم بیش از ۳۰۰ شهید و جانباز در این منطقه از حماسه های بزرگ تاریخ جنگ تحمیلی می باشد که فرصت بیان جزئیات در این کتاب مقدور نیست. گمجن در نهایت در سال ۱۳۶۶ از کنترل یگان های عملیاتی نزاجا خارج و پس از یک سری عملیات در منطقه نفت شهر و سومار در جبهه ای به طول ۲۵ کیلومتر مستقر و پدافند از آن منطقه را به عهده گرفت.

کلیات / ۱۷

در اوائل نیمه دوم سال ۱۳۶۳ من سرگرد جهانگیر جمیلی به سمت جانشین فرمانده گمجن تعیین و پس از توجیه توسط فرمانده گمجن که جهت انجام ماموریتی در تهران حضور داشت برای چهارمین مرتبه به منطقه غرب کشور اعزام شدم و فرماندهی یگان فوق را به عهده گرفتم.

هنگام ورود به منطقه، متوجه کمبود نیروی انسانی شدم ولی خوشبختانه عشایر که شنیده بودند من به منطقه آمده ام در گروه های مختلف که اغلب فامیلی بودند به گمجن ملحق شدند از جمله قهرمان علیزاده - یک ماه بعد شهید شد- به اتفاق فرزند جوان و اقوامش و همچنین ۴ نفر از برادران کوه پیکر (حشمت- نعمت- قدرت - نصرت) و دیگران

این نکته را خاطر نشان می سازد که دوستی و صمیمیت خاصی بین من و عشایر از گذشته به وجود آمده بود که این صمیمیت ناشی از همبستگی و همدلی و اعتقاد راسخ به دفاع مقدس و بیرون راندن دشمن از سرزمین الهی ایران بود که در حقیقت می توان آن را رمز موفقیت نامید .

در آغاز کار و با توجه به اطلاعات واصله متوجه شدم گشتی های دشمن در منطقه فعال هستند. که برای متوقف کردن گشتی های دشمن ابتدا از نیروهای زبده و ورزیده نظامی و عشایر ایل کلهر و سنجابی دو گروه گشتی سازماندهی و با اجرای کمین در چند مرحله با نیروهای دشمن مقابله گردید به طوری که در این درگیریها ضمن کشتن تعدادی از نیروهای دشمن به گمجن نیز تلفاتی وارد آمد و هر گونه حرکتی از دشمن سلب شد و دیگر نیروی گشتی به سمت گمجن اعزام نگردید و منطقه آرام شد. با استفاده از این موقعیت همزمان برنامه های آموزشی توسط پرسنل نظامی و عناصر مامور از تیپ نوهده به شدت و با پشتکار و نظارت روز مره آغاز گردید .

وضعیت عمومی

ارتفاع ۴۰۲ یکی از حساس ترین نقاط در رشته ارتفاعات مرزی واقع در منطقه عمومی سومار بوده که میدان دید و تیر بسیار خوبی به همه جهات خود داشت و امکان دیده بانی عمیق به داخل خاک عراق و کنترل مناسب روی محور نفت خانه مندلی در عراق و نفت شهر ، سومار در ایران و دره سانواپا که ارتفاعات مرزی کهنه ریک و سلمان کشته را از همدیگر جدا می نماید فراهم می سازد. ارتش عراق در طول جنگ تحمیلی همواره در صدد تصرف این ارتفاع بود.

از نیمه دوم دی ماه تا اوائل بهمن ماه ۶۳ دشمن شب ها یک ستون موتوری را با چراغ های روشن از جنوب منطقه نفت شهر به طرف شمال حرکت می داد و پس از مدتی این ستون در پشت ارتفاعات از دید خارج می شد و به طور همزمان هر شب تانک ها را روشن و با جا به جایی توام با سر و صدا تلاش سعی در مرعوب نمودن نیروهای ایرانی را داشت .دشمن با حرکت دادن ستون موتوری و حرکت تانک ها که در پاره ای از موارد با پرتاب گلوله های منور همراه بود تظاهر به اجرای تک می نمود .در طول این عملیات ایذائی دشمن حتی یک گلوله به طرف نیروهای ما تیر اندازی نکرد. یگان های توپخانه دشمن نیز از اجرای تیراندازی به منظور مخفی ماندن مواضع جدید یگان های توپخانه خوداری نمود .

نیروهای دشمن

- نیروهای شناخته شده دشمن در منطقه گمجن :
- تیپ ۸۰ لشکر ۱۷ زرهی
- یک گردان جیش الشعبی
- یک گروهان کماندوئی از لشکر ۱۶ پیاده
- یگان های توپخانه

نیروهای خودی

- قرارگاه تاکتیکی گمجن که در حقیقت جزئی از خط پدافندی محسوب می گردید
- قرارگاه رده عقب گمجن که مسئولیت امور ستادی و پشتیبانی یگان ها را به عهده داشت .
- سه گردان پیاده شامل نیروهای نظامی و عشایری .
- یک آتشبار توپخانه ۱۵۵ م م از لشکر زاهدان در کمک مستقیم گمجن .
- نیروهائی از جهاد سازندگی استان خراسان که مسئولیت جاده سازی را به عهده داشت

یگان های همجوار گمجن

- تیپ ۳ لشکر ۸۸ زرهی در سمت چپ.
- تیپ مسلم ابن عقیل سپاه پاسداران در سمت راست .

اقدامات گمجن

برابر قرائن و شواهد موجود ما انتظار حمله دشمن را داشتیم ولی نمی دانستیم چه موقع و کجا این حمله انجام خواهد شد. بنابراین امکانات محدود خود را به منظور پاسخگویی به این که دشمن چه موقع و کجا حمله خواهد کرد به کار بردیم . به منظور جلوگیری از هر گونه غافلگیری و کسب اطلاعات در هشتم بهمن ماه یک گروه گشتی شناسائی به فرماندهی عشیره حشمت کوه پیکر به منطقه نفت شهر در حوالی ارتفاع شترمیل اعزام گردید . گروه گشتی پس از مراجعت اطلاعاتی را ارائه نمود که پس از تجزیه و تحلیل حاکی از تک قریب الوقوع دشمن بود و این اطلاعات به قرارگاه عملیاتی غرب گزارش گردید.

برای بررسی بیشتر مجدداً در نهم بهمن ماه یک گروه گشتی به فرماندهی ستوان یکم امیری به منطقه اعزام که اطلاعات ارائه شده موید اطلاعات قبلی بود که مجدداً مراتب تک قریب الوقوع دشمن به قرارگاه گزارش گردید.

در شب روز نهم بهمن به منظور جلوگیری از هر گونه غافلگیری و دفع تک احتمالی دشمن با حضور فرماندهان گردان های عشایری و فرمانده قرارگاه رده عقب که مسئولیت پشتیبانی و آماد رسانی را به عهده داشت و فرمانده آتشبار توپخانه و سرپرست بهداری گمجن و مسئول مخابرات جلسه ای تشکیل و موارد ذیل به آنان ابلاغ گردید:

- الف- برابر گزارشات دریافتی از گشتی های اعزامی و همچنین دستورات واصله از فرماندهی قرارگاه غرب احتمال تک دشمن در منطقه وجود دارد .
- ب- هر گردان روزانه گشتی شناسائی به منطقه پدافندی خود اعزام نماید .

- ج- مواضع کمین و استراق سمع در جلوی خطوط پدافندی تقویت گردد .
- د- هر شب یک سوم رزمندگان در حالت آماده باش کامل باشند و هر گونه حرکات دشمن سریعاً گزارش شود .
- ه - مهمات لازم برای خمپاره اندازها در دسترس باشد .
- و- هر گونه تک دشمن سرکوب شود .
- ز - فرمانده قرارگاه رده عقب سروان جلالی نسبت به آماده نمودن نیروهای احتیاط به استعداد یک گروهان اقدام و در صورت نیاز بنا به دستود به منطقه اعزام گردد و در مورد آماد رسانی نیز از هم اکنون پیش بینی گردد .
- ح- فرمانده آتشبار توپخانه نسبت به پیش بینی آتش ضد تهیه اقدام نماید
- ط- سرپرست بهداری پیش بینی های لازم را معمول دارد .
- ی- مسئول مخابرات نسبت به برقراری سیستم ارتباطی با استفاده از کلیه امکانات موجود اقدام نماید .
- ک- نسبت به تقویت خدمه های آر پی جی زن جهت انهدام تانک های دشمن اقدام گردد.

تک دشمن

همانگونه که پیش بینی شده بود دشمن در ساعت چهار بامداد روز ۶۳/۱۱/۱۰ با اجرای شدید آتش تهیه که مدت زمان طولانی آن نیز برای من که یک افسر توپخانه بودم غیر قابل تصور و پیش بینی بود تک خود را آغاز نمود . یگانهای گمجن و به ویژه قرارگاه فرماندهی به منظور مختل کردن سیستم فرماندهی نیز به شدت زیر آتش توپخانه دشمن قرار گرفت. در ادامه

۲۲/ عملیات تاخت گمجن عشایری

عملیات مشخص شد تک اصلی در سمت ارتفاع ۴۰۲ در منطقه تیپ ۳ لشکر ۸۸ می باشد. بلافاصله پس از تک دشمن اقدامات زیر انجام گردید:

- دستور اجرای آتش ضد تهیه

- مذاکره با فرماندهان جهت تقویت روحیه آنان

- تماس با جناب سرهنگ صدری فرمانده تیپ ۳ لشکر ۸۸، ایشان اظهار داشت تک اصلی دشمن به منظور تصرف ارتفاع ۴۰۲ است و رزمندگان تیپ تا آخرین قطره خون از این ارتفاع که حاکمیت در منطقه را دارد دفاع خواهند کرد.

- آتش پراکنده توپخانه دشمن تا ساعت ۰۷۳۰ ادامه داشت و با روشن شدن هوا شدت آن کاهش یافت.

از گردان های تابعه وضعیت را سوال کردم، خوشبختانه متوجه شدم فقط چند نفر در اثر ترکش گلوله های توپخانه مجروح شده بودند که جهت مداوا و درمان به بیمارستان مستقر در منطقه سومار اعزام شدند

با توجه به این که گردان سوم در مجاور تیپ ۳ بود و تعداد مجروحین در این گردان بیشتر بود ستوان یکم دکتر پاشا خانلو را با کلیه امکانات موجود به منطقه این گردان اعزام نمودم.

به منظور در جریان قرار گرفتن وضعیت تیپ ۳ به طرف یگان فوق عزیمت نمودم. در مسیر حرکت محل اصابت گلوله های توپخانه دشمن روی جاده کاملاً مشخص و گویا زمین را شخم زده بودند و به صورت پراکنده نیز دشمن با توپخانه تیراندازی می کرد.

در مدخل ورودی تیپ ۳ خودرو من مورد اصابت ترکش گلوله توپخانه قرار گرفت که خوشبختانه به کسی آسیب نرسید. در حالیکه قرارگاه تیپ زیر آتش توپخانه دشمن قرار داشت سریعاً خود را به سنگر فرمانده تیپ رساندم،

اجرای پاتک توسط تیپ ۳ / ۲۳

چهره فرمانده تیپ نشان می داد که شب سختی را سپری نموده است . وقتی از ایشان وضعیت منطقه را سوال کردم پاسخ دادند ارتفاع کله قندی سقوط نموده لیکن ارتفاع ۴۰۲ را حفظ نموده ایم. تا کنون شهدا و مجروحین زیادی داده ایم لیکن مطمئن باشید که با اجرای پاتک این ارتفاع را از آنها باز پس خواهیم گرفت. در پایان دیدار به ایشان گفتم رزمندگان گمجن آماده هستند که در صورت نیاز در عملیات پاتک شرکت کنند، ایشان پاسخ دادند در صورت نیاز اطلاع خواهم داد . من با آرزوی موفقیت برای تیپ دست ایشان را به گرمی فشردم و از سنگر وی خارج شدم. در مسیر مراجعت آمبولانس های تیپ را مشاهده نمودم که با سرعت در حال تخلیه مجروحین هستند .

نتیجه تک دشمن

دشمن عملیات آفندی خود را با هدف تصرف ارتفاع ۴۰۲ و ارتفاع مجاور آن موسوم به کله قندی آغاز نمود و در این عملیات موفق گردید ارتفاع کله قندی واقع در دره سانواپا را به تصرف خود در آورد، ولی در تصرف ارتفاع ۴۰۲ که هدف اصلی دشمن بود به علت دفاع سر سخخانه رزمندگان تیپ ۳ ناکام ماند.

اجرای پاتک توسط تیپ ۳

به رغم این که دشمن در حالت آمادگی کامل بود و به طور مداوم هواپیماهای دشمن منطقه را بمباران و شناسائی می کردند در مورخه

۲۴/ عملیات تاخت گمجن عشایری

۶۳/۱۱/۱۴ تیپ به منظور باز پس گیری ارتفاع کله قندی پاتک نمود لیکن دشمن که در آمادگی کامل به سر می برد با اجرای آتش شدید توپخانه و تانک مانع هر گونه پیشروی نیروهای خودی گردید .

تبلیغات دشمن

چون ایام مصادف با دهه فجر بود، دشمن تبلیغات گسترده ای را آغاز و هر روز از طریق بلند گو و رادیو ضمن پخش موزیک و مصاحبه با اسرا سعی در تضعیف روحیه رزمندگان مستقر در منطقه را داشت . دشمن از این موفقیت که با استفاده از قدرت آتش توپخانه و بمباران هواپیما و تانک به دست آورده بود به طور مداوم یاوه سرائی و قدرت نمائی می کرد .

اقدامات گمجن

بعد از عملیات فوق ، گمجن عشایری با هماهنگی تیپ ۳ در سه مرحله یک گروه گشتی به منطقه آن تیپ اعزام که نتیجه به شرح زیر به مبادی مربوطه گزارش گردید:

دشمن مبادرت به تحکیم مواضع خود بر روی ارتفاع کله قندی نموده و منطقه را مین گذاری کرده است

هدف نهائی از اعزام گشتی های گمجن به منطقه تیپ ۳ فریب دشمن از طرحی بود که بعداً در روز ۲۲ بهمن با موفقیت کامل اجرا گردید.

مفهوم و معنی لفظ تاخت

در لغت نامه دهخدا به نقل از فرهنگ های مختلف تاخت چنین تعریف

شده است :

تاخت مصدر مرخم از تاختن ، در پهلوی نیز به معنی حمله و نوعی از راه رفتن و دویدن اسب آمده است. در فرازی دیگر تاخت و تاختن دویدن بر سر کسی به قصد جنگ یا غارت است. لفظ تاختن در پهلوی هم تاختن و در اوستا تک و تچ در سنکریت هم تچ است که اکنون در زبان ولایتی مازندران با تبدیل چ به جیم موجود است . استاد در ادامه این معانی را به لفظ تاختن نسبت داده است: حمله، هجوم، حمله کردن، حمله آوردن، هجوم کردن، هجوم آوردن، تازاندن

تاخت (دستبرد)

الف- عملیاتی است معمولاً با مقیاس کوچک که با نفوذ سریع در قلمرو دشمن به منظور کسب اطلاعات، مغشوش کردن دشمن یا انهدام تاسیسات او انجام می گیرد. این عملیات با یک عقب نشینی طرح ریزی شده به محض اجرای ماموریت واگذاری پایان می پذیرد. امکان دارد تاخت با هواپیما، ناوهای سریع السیر، نیروهای متحرک زمینی (هوابرد) یا نیروهای آبخاکی انجام گیرد.

ب- هجوم طرح ریزی شده به قلمرو دشمن به منظور تصرف هدفهای محدود، کسب اطلاعات یا تاثیر بخشیدن به یک تظاهر در یک تک فریبنده (انحرافی).

پ- یورش مجاز به داخل یک ساختمان و یا منطقه به منظور دستگیری قانونی مهاجمین ، به دست آوردن مدارک یا به دست آوردن اموال مسروقه.
ت- نوعی گشتی رزمی و عبارت است از تاختن به دشمن با غافلگیری و سرعت هر چه بیشتر همراه با آتش انبوه دقیق برای نابود کردن تاسیسات دشمن یا گرفتن اسیر یا آزاد کردن اسرای جنگی و به دست آوردن جنگ افزار و ساز و برگ و کاهش توانایی رزمی دشمن

سازمان تاخت

هنگام طرح ریزی یک تاخت معمولاً ۴ عنصر در نظر می گیرند. هر عنصر برای انجام بخش ویژه ای از یک ما موریت کلی تجهیز شده و سازماندهی می شود.

۱- فرماندهی

کنترل حرکات و اعمال روی هدف را به عهده دارد.

۲- تامین

در نقطه الحاق هدف تامین برقرار می کند، در مورد نزدیک شدن دشمن به موقع اعلام می نماید، معابر وصولی به منطقه هدف را می بندد، مانع فرار دشمن از منطقه هدف می شود، برای عناصری که در منطقه هدف هستند عمل مراقبت را انجام می دهد، برای عقب نشینی آنان آتش های کوبنده فراهم می نماید.

اجرای عملیات تاخت به دشمن / ۲۷

۳- پشتیبان

مسئولیت اجرای آتشیهای پشتیبانی از عملیات را دارد.

۴- هجوم

هدف را تصرف و تامین نموده از تیم های تخریب، تجسس، زندانیان جنگی یا تیم های دیگر، که مشغول انجام وظایف خود هستند محافظت می کند. عنصر هجوم برای اجرای هجوم، تصرف و انهدام تا سیسات مواضع یا تجهیزات می تواند یک یا چند تیم هجوم به منظور غلبه بر مقاومت دشمن، تامین هدف و یک یا چند تیم تخریب به منظور انهدام تا سیسات یا تجهیزات دشمن سازمان داده شوند.

اجرای عملیات تاخت به دشمن

مقدمه : به منظور آگاهی بیشتر خوانندگان ارجمند کمی به عقب بر می گردیم. در اواخر دی ماه سال ۱۳۶۳ یک گروه گشتی شناسائی به فرماندهی ستوان یکم امیری از منطقه گردان یکم گمجن به سمت مواضع دشمن اعزام گردید که این گشتی با گشتی کمین دشمن برخورد و در یک نبرد جسورانه عشیره درگه شهید و عشیره سید جمال جهانی با فداکاری و با اجرای آتش، پوشش لازم را برای خارج شدن نیروهای خودی که در کمین بودند فراهم آورد و در نهایت در اثر تیراندازی دشمن مجروح و بیهوش به اسارت درآمد. در این درگیری دو نفر از نیروهای دشمن کشته که اجساد آنها تا مدتهای مدیدی در منطقه باقی مانده بود و بعداً دفن گردید.

ایجاد انگیزه برای رزمندگان یکی از نکات مهم فرماندهی است. که حوادث قبلی و وقایع ۶۳/۱۱/۱۰ در منطقه نفت شهر، سومار که منجر به شهادت تعدادی از سربازان ما گردید موجب شد گمجن با امکانات محدود نسبت به طرح ریزی و اجرای تاخت اقدام نماید. در واقع انگیزه های این طرح ریزی را می توان به طور مختصر به شرح زیر بیان نمود:

الف- انهدام نیروهای دشمن

ب - انتقام خون شهدای تک اخیر

پ - گرفتن اسیر به منظور کسب اطلاعات پیرامون هویت و ماهیت و چگونگی تک های محدود اخیر (دستورات واصله از قرار گاه غرب گرفتن حتی یک نفر اسیر بود)

ت- تضعیف روحیه و فرسوده کردن دشمن

ث- افزایش روحیه رزمندگان در منطقه

اجرای عملیات تاخت به دشمن / ۲۹

دشمن در خط پدافندی خود ضمن داشتن میادین مین گسترده، سیم خاردار و غیره دارای تجهیزات کافی از جمله تانک و سایر سلاح مدرن روز بود، لیکن در خط پدافندی گمجن حتی یک دستگاه تانک وجود نداشت. در مقابل رزمندگان گمجن مجهز به سلاح ایمان و شجاعت و روحیه سلحشوری و تفنگ برنو و ام یک و ژ ۳ و تیربار و آرپی جی ۷ بودند. در این جا توجه خوانندگان عزیز را به این نکته جلب می‌کنم که تعدادی از جنگ افزارهای سبک گمجن از سلاح های اغتنامی دشمن بود.

ایمان، روحیه قوی، رشادت و سلحشوری رزمندگان گمجن باعث شده بود که دشمن همواره از درگیر شدن با نیروهای گمجن احتراز نماید.

در طول ۲۵ کیلومتر خط پدافندی تنها یک آتشبار توپخانه ۱۵۵ م م خودکشی از گمجن پشتیبانی آتش به عمل می آورد.

با توجه به آنچه که گفته شد و با در نظر گرفتن احساس مسئولیتی که نسبت به رزمندگان در خود احساس می کردم لازم بود در طرح ریزی عملیات آینده دقت به عمل آید، زیرا کوچکترین اشتباه در طرح ریزی موجب تلفات سنگین می گردید. به منظور حصول اطمینان از موفقیت کامل، طرح ریزی خود را به ۴ مرحله تقسیم نمودم:

- شناسائی و تعیین محل دقیق تاخت.

- تهیه طرح.

- تمرین با استفاده از زمین مشابه.

- اجرای عملیات.

مرحله اول: شناسائی و تعیین محل تاخت

با توجه به شناسائی های قبلی ، دو موضع مناسب جهت انهدام و گرفتن اسیر از دشمن پیش بینی گردید . محلی در حوالی ارتفاع آنتن و دیگری در حوالی شترمل . پس از بررسی و تجزیه و تحلیل سرانجام به دلایل زیر محل تاخت حوالی ارتفاع آنتن انتخاب گردید :

- فاصله کم بین نیروهای خودی و دشمن
- وجود شیارهای متعدد که دارای پوشش و اختفاء مناسب بود
- معبر مطمئن شناسائی شده بود
- استعداد دشمن یک گردان بود که یک گروهان در این سوی رودخانه کنگاگوش مستقر بود و حدود ۸ دستگاه تانک از آنها پشتیبانی می کردند
- دو قبضه تیر بار دوشکا در ابتدا و طرفین معبر وجود داشت
- گردان فوق با استفاده از یک پل از رودخانه عبور و عملیات آماد رسانی را انجام می داد
- در صورت تخریب این پل امکان کمک رسانی مشکل بود (این پل روی طرح آتش توپخانه برده شد)
- وجود شیارها این اجازه را می داد که بتوان قبل از عملیات خمپاره اندازها را تغییر موضع به جلو داد
- عقب نشینی نیروها پس از عملیات تاخت با استفاده از شیارها ی مناسب که آنها را از دید و تیر دشمن مصون می داشت
- جهت طرح ریزی نهائی دو روز قبل از عملیات در ساعت ۰۲۰۰ بامداد به اتفاق ستوان امیری و عشیره حشمت کوه پیکر و دو نفر از نفرات ورزیده

مرحله دوم : تهیه طرح / ۳۱

نیروهای نظامی شخصاً منطقه عملیات را تا حوالی معبر نفوذی مورد شناسائی قرار داده و در حقیقت شناسائی تکمیلی انجام و اطمینان خاطر از شناسایی های قبلی به عمل آمده انجام گردید .

- به منظور گمراه نمودن دشمن فعالیت گشتی در اطراف ارتفاع شترمل ادامه داشت .

مرحله دوم : تهیه طرح

- با توجه به ورزیدگی و چالاکی رزمندگان گمجن، طرح گشتی به منظور تاختن به دشمن با غافلگیری و سرعت هر چه بیشتر و نابود کردن مواضع و تجهیزات و گرفتن اسیر و به دست آوردن غنائم و کاهش توانائی رزمی دشمن و تضعیف روحیه او پیش بینی شده بود .

- برابر تجربیات گذشته دشمن در اعیاد ما از بیم حمله رزمندگان اسلام اغلب شب را در حالت آماده باش کامل و بیداری بسر می برد و صبح مواضع را جهت استراحت تخلیه می نمود. بهمین علت به منظور استفاده از اصل غافلگیری زمان عملیات تاخت ساعت ۰۶۰۰ بامداد روز ۲۲ بهمن تعیین گردید. (بعداً ثابت شد که انتخاب این زمان بسیار صحیح بوده است)

- برای رسیدن به هدف بایستی پس از مسافتی کمتر از ۴۰۰ متر به ابتدای معبر رسید که ابتدا بایستی عناصر کمین یا نگهبان دشمن را در نهایت سکوت ازبین برد .

- انتخاب یک سرباز عرب زبان که این مأموریت به سید علیرضا شریف اهل بندر گناوه محول گردید. نقش مهم او بعداً تشریح خواهد شد .

۳۲/ عملیات تاخت گمجن عشایری

- گام بعدی تعیین نیازمندیها به منظور مقابله با پاتک و عملیات تلافی جویانه احتمالی دشمن و تقویت مواضع پدافندی گردان یکم بود که به شرح زیر تعیین گردید :

- سه دستگاه تانک

- پشتیبانی آتش توپخانه

- توپ ۲۳ م پدافند هوایی

برای دریافت نیازمندیها و انجام هماهنگی در مورخه ۶۳/۱۱/۱۵ به قرارگاه عملیاتی غرب عزیمت نمودم و با سرکار سرهنگ حسین شمس نیا رئیس ستاد قرارگاه که از افسران با اخلاص و لایق ارتش بود مذاکره نمودم و به ایشان گفتم : گمجن با توکل به خدای بزرگ آمادگی تاخت و گرفتن اسیر از دشمن را دارد . او بسیار خوشحال شد و اظهار داشت « چنانچه موفق به انجام این عملیات شوید اعتبار رزمندگان گمجن را افزایش خواهید داد و مایه سر بلندی خواهد بود. در این موقعیت گرفتن اسیر حتی یک نفر از نیروهای دشمن از جنبه اطلاعاتی حائز اهمیت است. نزاجا نیاز مبرم به اسیر دارد تا بتواند اطلاعات لازم را از هویت یگان های تک کننده کسب نماید »

صحبت های صادقانه ایشان امید به پیروزی را در من تقویت نمود و من نیاز مندیهای گمجن را اعلام نمودم و وی بلافاصله امریه زیر را به تیپ ۳ لشگر ۸۸ ابلاغ نمودند:

- ضمن هماهنگی با گمجن سه دستگاه تانک به مدت ۵ روز در اختیار یگان مذکور قرار دهید.

- نسبت به تامین پدافند هوایی منطقه مورد نظر اقدام کنید.

مرحله دوم : تهیه طرح / ۳۳

- در صورت نیاز آماده باشید به گمجن کمک نمائید.
ضمنا نامبرده به رئیس رکن چهارم قرارگاه ابلاغ نمودند کلیه نیازمندیهای گمجن را تامین نمائید.
پس از مراجعت از قرارگاه عملیاتی غرب طی مذاکره ای که با سر گروه های عشایری از جمله رزمنده جانباز شیمیایی پاشا رضائی یکی از سران خوشنام ایل کلهر و حشمت کوه پیکر داشتم نظریات آنها را جویا که بهتر است عین جمله آنان بازگو شود (جناب سرگرد ، تا آخرین قطره خون آماده هر گونه عملیات به منظور گرفتن اسیر و انتقام خون شهدای اخیر هستیم زیرا می دانیم خدا با ماست)

طرح ریزی آتش

با توجه به این که رسته من توپخانه بود در نظر گرفتم با افسر توپخانه در فرصت مناسب هماهنگیهای لازم را به عمل آورم و در طرح ریزی آتش با وی همکاری و هم فکری نمایم.

احتیاط(عصر پشتیبان)

به منظور پیش بینی های لازم ، نیروئی به استعداد ۳۰ نفر از عشایر ورزیده ایل سنجابی به فرماندهی ستوان یکم امیری انتخاب نمودم و نظر به تجربه و ورزیدگی این افسر مطمئن بودم که چنانچه حادثه غیر مترقبه ای رخ دهد قادر به انجام ماموریت محوله خواهد بود.

مرحله سوم: تمرین

بدون این که محل واقعی تاخت و تاریخ اجرای ماموریت برای کسی بازگو شود در دو روز متوالی در منطقه ای مناسب محلی شناسائی و با ایجاد معبر و ساختن هدف هائی زمین مشابه منطقه هدف آرایش داده شد. سپس تمرینات مشابه شامل عبور از خط و حرکت به سوی معبر و خنثی کردن مین و به اسارت گرفتن نگهبانان و حمله به مواضع و پرتاب نارنجک و تیراندازی با آرپی جی ۷ و در نهایت عقب نشینی تمرین گردید.

مرحله چهارم: اجرای عملیات

در ساعت ۱۵۰۰ روز ۱۹ بهمن ماه جلسه توجیهی در قرارگاه تاکتیکی گمجن با حضور فرماندهان و مسئولین مشروحه زیردر محیطی مملو از اخلاص و ایمان تشکیل گردید:

فرمانده قرارگاه رده عقب : سروان داود جلالی

فرمانده گردان یکم گمجن : سروان رخصت پناه

افسر عملیات گمجن : ستوان یکم غلامرضا امیری

فرمانده گروهان قرارگاه تاکتیکی : ستوانیار محمدی

سرپرست مخابرات : ستوانیار سیمین

فرمانده عنصر هجومی : عشیره حشمت کوه پیکر

معاون عنصر هجومی : عشیره نعمت کوه پیکر

فرمانده آتشبار توپخانه : ستوان نجاری

نماینده رکن ۳ تیپ ۳ لشکر ۸۸: ستوان یکم سروش

سرپرست تانک های اعزامی از لشکر ۸۸

مرحله چهارم : اجرای عملیات / ۳۵

پزشک گمجن: ستوان یکم دکتر پاشاخانلو

پس از تلاوت قرآن و حمد و ستایش پروردگار ماموریت ، نحوه اجرای

عملیات و وظایف هر یک از آنان به شرح زیر ابلاغ گردید:

گمجن ماموریت دارد در ساعت ۶:۰۰ بامداد مورخه ۲۲ بهمن با انجام عملیات تاخت در منطقه آنتن به دشمن حمله نموده و ضمن انهدام نیرو و تانک ها و تجهیزات و انبارهای مهمات نسبت به گرفتن اسیر اقدام نماید . آنچه که حائز اهمیت است گرفتن اسیر می باشد.

برابر شناسائی های انجام شده در منطقه مورد نظر، یک گروهان پیاده که ۸ دستگاه تانک از آنها پشتیبانی می کند مستقر می باشد و در سمت چپ و راست معبر شناسائی شده دو قبضه تیر بار دوشکا دیده شده است .

دشمن با اتکا به موانع شب ها به صورت ۴ نفری نگهبانی می دهند و روزها می خوابند و احتمالاً فقط یک الی دو نفر نگهبان دارند .

برابر تجربیات گذشته، دشمن در شب ۲۲ بهمن از بیم حمله نیروهای ایرانی تا صبح بیدار و در آماده باش کامل به سر خواهند برد و به محض روشن شدن هوا جهت استراحت به سنگرهای خود خواهند رفت و هرگز انتظار حمله در روز روشن را نخواهند داشت. ما با استفاده از اصل غافلگیری در آغاز روشنائی به دشمن حمله خواهیم کرد و نحوه عمل ما عبارت است :

- نیروی تک کننده از خط پدافندی عبور و با استفاده از شیارهای موجود خود را به حوالی معبر نفوذی میرساند.

- سرباز وظیفه سید علیرضا شریف و عشیره حشمت کوه پیکر از معبر عبور و خود را به نگهبانان ابتدای معبر می رساند.

- سرباز شریف با زبان عربی به نگهبانان بگوید که در محاصره هستید ، برای حفظ جانتان تسلیم شوید و سپس به اتفاق عشیره حشمت آنها را خلع سلاح و دستگیر نماید.

- نیروی تک کننده پس از علامت دادن عشیره حشمت وارد معبر شده و هر نفر یک نارنجک به داخل سنگرها پرتاپ می نمایند و سریعاً نارنجک های بعدی را پرتاپ تا دشمن زمین گیر و گیج شود.

- برای ایجاد رعب و وحشت تانکر سوخت و انبار مهمات و خودروها و تانکها با آر پی جی هفت منفجر شود.

- کلیه نفرات دشمن با رگبار منهدم و اجازه عکس العمل به آنها داده نشود.

- نیروهائی که تسلیم می شوند را خلع سلاح نموده و وارد معبر نمائید.

- با سرعت و با استفاده از شیارها به سمت مواضع خودی مراجعت نمائید .

- مجروحین احتمالی را تا محل استقرار عنصر احتیاط به هر طریق ممکن تخلیه نمائید و از آنجا آنها کمک خواهند کرد.

- تا قبل از فاش شدن عملیات سکوت مطلق رادیوئی رعایت شود و فقط به گوش باشید.

- پس از عقب نشینی با فرمان من توپخانه و خمپاره اندازها برابر طرح آتش پیش بینی شده تیراندازی نمایند. پیش بینی می شود در این مرحله بتوانیم با اجرای انبوه آتش به نیروهای دشمن را که از سنگرها خارج شده اند و یا از آنسوی پل جهت کمک به نیروهای خود در حرکت هستند تلفات زیادی به دشمن وارد آوریم .

اکنون شرح وظایف و مسئولیت هر یک از شما را بازگو می کنم تا دقیقاً آن را به یاد بسپارید:

فرماندهی تاخت

فرماندهی و هدایت تاخت تا پایان عملیات به عهده خود من خواهد بود.

فرمانده هجوم: رزمنده حشمت کوه پیکر

- پس از عبور از خط تماس نیروهای ، خودی گروه را در اطراف معبر مستقر نمائید.
- به اتفاق سرباز وظیفه شریف وارد معبر شده نسبت به دستگیری آنان اقدام نمائید مراقب تله های انفجاری باشید.
- تا قبل از فاش شدن عملیات سکوت مطلق رادیویی را مراعات نمائید و به گوش باشید.
- در صورت برخورد به حادثه پیش بینی نشده از من کسب تکلیف نمائید.
- به هر طریق ممکن حتی گرفتن یک نفر اسیر الزامیست .

معاون هجوم: رزمنده نعمت کوه پیکر

- پس از علامت حشمت وارد معبر شده ، حداقل ۲ عدد نارنجک را همزمان به داخل سنگرها پرتاب کنید
- با شناختی که از شما در مهارت تیراندازی با آر پی جی ۷ دارم ابتدا تانکهای دشمن و سپس مخازن سوخت را منهدم کنید.
- در حد امکانات و توان به منظور یادبود این عملیات غنائم سبک را تخلیه نمائید.

- پس از انهدام نیرو و استحکامات و حصول اطمینان از گرفتن اسیر به سرعت از معبر عبور کرده و با استفاده از شیارها به طرف نیروهای خودی مراجعت نمائید
- در صورت تعقیب دشمن با آنان درگیر نشوید

فرمانده احتیاط ستوان یکم امیری

- قدرت احتیاط باعث تقویت روحیه نیروی هجوم خواهد بود لذا ورزیده ترین نفرات را از عشایر سنجابی و سربازان گردان یکم انتخاب نمائید.
- در فاصله ۲۰۰ متری از خط پدافندی دشمن مستقر شوید.
- بنا به دستور به نیروی هجوم کمک نمائید.
- در صورت تعقیب نیروی هجوم به وسیله دشمن مسئولیت حمایت و پشتیبانی و پوشش حرکت آنها با شما می باشد.
- نسبت به حمل مجروحین احتمالی اقدام نمائید.
- پس از رسیدن گروه گشتی به مواضع خودی شما نیز با استفاده از شیارها به ما ملحق شوید.

فرمانده یگان تانک

- تانک ها را در روز ۲۱ بهمن در ایستگاه شربت ، یک کیلومتری قرارگاه تیپ ۳ مستقر نمائید. فاصله شما تا مواضع گردان یکم ۳ کیلومتر است.
- با هماهنگی سروان رخصت پناه منطقه ای را شناسایی نموده و محل های استقرار تانک را پیش بینی نمایید.
- بنا به دستور به منطقه گردان یکم حرکت نمایید.

فرماندهی تاخت / ۳۹

- هرگونه فعالیت دشمن را با همکاری گردان یکم به شدت سرکوب نمایید.
- با حرکت و جابه جایی تانک ها نسبت به فریب دشمن مبنی بر وجود تعداد زیادی تانک اقدام نمایید.
- تیربارهای ضد هوایی به منظور مقابله با هلی کوپترهای دشمن آماده باشند.

فرمانده آتشبار توپخانه

- پس از خاتمه تاخت و عقب نشینی، به احتمال زیاد نیروهای دشمن از سنگرها خارج شده و در منطقه پراکنده می شوند، بهترین فرصت برای انهدام آنها می باشد.
- در طرح ریزی به معابر اجباری از جمله پل موجود روی رودخانه کنگاکوش که نیروهای دشمن به منظور کمک به نیروها از آن عبور خواهند نمود توجه شود.
- با توجه به موقعیت گسترش دشمن طرح آتش خود را تهیه نمایید.
- حداکثر استفاده از خمپاره اندازه های موجود را در طرح آتش به عمل آورید.
- با توجه به این که گردان عراقی پس از عملیات به کمک نیروهای مستقر در ارتفاعات خواهند آمد، هدف های مناسب را جهت انهدام نیرو انتخاب نمایید.
- به فرماندهان خمپاره اندازه ها اعلام نمایید که به محض شروع آتش توپخانه آنها نیز مبادرت به اجرای تیر اندازی نمایند.

- هماهنگی لازم را با سروان رخصت پناه به منظور توجیه خدمه خمپاره اندازها به عمل آورید.
- یکی از دیده بانان ورزیده که به منطقه آشنائی و از ورزیدگی جسمانی برخوردار باشد به قرارگاه گمجن اعزام و در طول عملیات با نقشه و وسائل مربوطه به همراه من باشد
- اجرای آتش بنا به دستور خواهد بود.
- هماهنگی های لازم را با یگان های توپخانه تقویت و عمل کلی و عمل کلی تقویت به عمل آورید و کمبودهای خود را به گردان مربوطه گزارش نمایید.

فرمانده پدافند هوایی

- در ساعت ۲۲ ۰۰ روز جاری توپ های پدافند هوایی را به گردان یکم حرکت داده و در مواضع مناسب مستقر نمایید.
- به منظور ایجاد ترس در دشمن پس از خاتمه عملیات تاخت چندین بار تیر اندازی نمایید تا دشمن از وجود توپ های ضد هوایی مطلع تا از اعزام هلی کوپتر خود داری نماید.
- با انجام تیر اندازیهای متناوب طوری عمل نمایید که دشمن تصور کند توپ های زیادی در منطقه مستقر می باشد.

فرماندهی تاخت / ۴۱

نماینده رکن سوم تیپ ۳ لشکر ۸۸

- نسبت به اعزام به موقع یک دسته تانک و پدافند هوایی به موقع اقدام نمایید
- تماس خود را از ساعت ۶۰۰ بامداد مورخه ۲۲ بهمن با گمجن حفظ نمایید.
- گردان توپخانه لشکر ۸۸ در طرح ریزی آتش به ستوان دوم نجاری کمک نماید به نحوی که ما بتوانیم از امکانات توپخانه لشکر ۸۸ استفاده کنیم.
- حتی الامکان نسبت به تامین کمبودهای خدمه های آتشبار توپخانه اقدام نمائید.

پزشک گمجن ستوان یکم وظیفه دکتر پاشا خانلو

- با آمبولانس و وسایل لازم در ساعت ۶ بامداد ۲۲ بهمن در گردان یکم حضور یافته ، پیش بینیهای لازم را به منظور درمان مجروحین احتمالی به عمل آورید.
- پزشکیاران گردان دوم و سوم و قرارگاه رده عقب را احضار نمایید.
- با سروان رخصت پناه هماهنگی لازم را معمول دارید

فرمانده گردان یکم سروان رخصت پناه

- از هرگونه حرکات اضافی و جابه جایی نفرات در منطقه خودداری شود.
- از تردد خودروهای اضافی به منطقه گردان خودداری نمایید
- در تاریکی شب خمپاره اندازها به جلو برده شود.

- افرادی که در رابطه با مأموریت اخیر به گردان می آیند بایستی با خودرو تانکر آب و سوخت و غذا رفت و آمد نمایند.
- از انجام هر کاری که باعث هوشیاری دشمن شود خودداری نمایید.
- آماده باشید در صورت تک دشمن با او مقابله نمایید.
- پس از عملیات تا اطلاع ثانوی در آماده باش کامل باشید.
- پیش بینی می شود دشمن پس از عملیات مواضع گردان یکم را به شدت زیر آتش خواهد گرفت بنابراین باید به رزمندگان تفهیم شود تا همه در کانال ها و سنگرهای مربوطه باشند.
- یک دوم خمپاره اندازه های گردان ۱ و ۲ را تحویل بگیرید.
- آماده باشید یگان تانک اعزامی را در اختیار بگیرید.

فرمانده قرارگاه رده عقب سروان داود جلالی

- از عناصر باقی مانده رده عقب یک گروهان به عنوان نیروی احتیاط سازمان دهی نمایید.
- در صورت نیاز به گروهان فوق فرماندهی آن را به عهده بگیرید و عشیره عادل استاد در سمت معاون شما باشد.
- ارتباط خود را با قرارگاه تاکتیکی حفظ و آماده دستورات بعدی باشید.
- با توجه به تک احتمالی دشمن پیش بینی های لازم در مورد آماد رسانی به موقع به عمل آورید.

سرپرست مخابرات ستوانیار سیمین

- طرح مخابراتی لازم را تهیه و به همه ابلاغ و با آنها هماهنگی نمائید

دستورات هماهنگی

- حفاظت گفتار را در رابطه با عملیات رعایت کنید
- سکوت رادیویی را مراعات نمایید
- از تردهای غیر ضروری به گردان یکم خودداری نمایید
- به منظور هدایت عملیات ، محل استقرار من در سمت چپ دسته احتیاط در ارتفاعی که مشرف به منطقه درگیری می باشد خواهد بود
- دیدگاه اصلی توپخانه کاملاً فعال و دو نفر دیده بان ورزیده در دیدگاه حضور داشته باشند و منطقه را به طور مداوم تحت کنترل و دیده بانی داشته باشید
- پس از مراجعت گروه گشتی ، من نیز مراجعت خواهم نمود و ابتدا در دیدگاه توپخانه به منظور بررسی وضعیت منطقه مستقر خواهم شد
- پس از خاتمه عملیات نقطه تجمع و الحاق در مقابل سنگر فرمانده گردان خواهد بود.
- در صورت بروز حادثه برای من سروان رخصت پناه به عنوان جانشین تعیین می گردد.

وقایع و حوادث تلخ و شیرین قبل از عملیات

در روز ۲۱ بهمن سرکار سرهنگ کهتری که مسئولیت رکن سوم قرارگاه غرب را داشت به قرارگاه تاکتیکی گمجن آمد و با من در مورد چگونگی عملیات مذاکره نمود و ضمن آرزوی موفقیت اظهار داشت خیلی مراقب باشید. آمدن ایشان به قرارگاه نمایانگر اهمیت عملیات برای سلسله مراتب فرماندهی بود و شاید کسی تصور عملی بودن آن را نداشت.

در ساعت ۱۶۰۰ روز ۲۱ بهمن یکی از پرسنل نظامی نزد من آمد و با صدای هیجان زده اظهار داشت امروز من به دیدگاه توپخانه رفته بودم و نفرات زیادی از نیروهای دشمن را در کانال ها دیدم که در جنب و جوش هستند ، تصور می کنم دشمن از طرح عملیات ما آگاه شده باشد و به نظر می رسد دشمن نیروهای خود را تقویت کرده است . هرگز انتظار چنین مطلبی را نداشتم و در حالیکه سکوت بین ما حکمفرما شده بود به چشمان وی خیره شدم.

عشیره حشمت کوه پیکر و یکی از نظامیان گردان یکم را احضار و به آنها گفتم سریعاً و بدون فوت وقت به دیدگاه توپخانه بروید و وضعیت منطقه را بررسی و نتیجه را گزارش نمائید.

هنوز هوا تاریک نشده بود آنان مراجعت و اظهار داشتند هیچ گونه تغییری در وضعیت دشمن به وجود نیامده است و حرکات دشمن در کانال ها یک امر روزمره و همانند روزهای قبل طبیعی است. به منظور حصول اطمینان با سروان رخصت پناه و دیدبان توپخانه تماس گرفتم و وضعیت منطقه را سوال نمودم که اظهار داشتند وضعیت عادیست.

وقایع و حوادث تلخ و شیرین قبل از عملیات / ۴۵
با توجه به این که این خبر به سرعت به گوش رزمندگان می رسید
قبل از این که اثرات منفی روی نفرات رزمنده بگذارد به حشمت و نعمت
گفتم به این شایعات توجه نکنید، زیرا افراد ترسو مبادرت به پخش
شایعات قبل از هر عملیات می نمایند و این امر عادیست و با کمک
خداوند ما پیروز خواهیم شد.

شب فراموش نشدنی

مطالبی را که اکنون بازگو می نمایم بسیار خاطره انگیز و قلم من قاصر
از بیان عظمت و شیرینی آن لحظات می باشد. فقط قلمی توانا می تواند آن
را توصیف نموده و حق مطلب را ادا کند.

در شب ۲۲ بهمن به وسیله یکی از سربازان پیغام فرستاده و گفتم به سنگر
گروه گشتی برو و بگو که همه حاضر باشند ، می خواهم به سنگر آنان بیایم.
لحظاتی بعد وارد سنگر این مردان از جان گذشته شدم که همه به پا
خواستگی و یک صدا ضمن شعار الله اکبر فریاد زدند درود بر جناب سرگرد و
منهم پاسخ دادم درود بر دلاوران سلحشور. منظره و شکوه سنگر بسیار جالب
بود ، سلاح تعدادی به دیوار سنگر آویزان بود، نوار تیر بار و نارنجک انداز آر
پی جی ۷ و گلوله های آن در گوشه و کنار سنگر دیده می شد. تعدادی در
حال نظافت و بازدید از سلاح خود بودند ، بعضی از مهمات خود بازدید می
کردند و چهار بند هرکس به همراه خشاب گلوله و نارنجک در کنار آنان بود .
کتری چای روی چراغ والور قل قل می جوشید . یکی از آنها گفت
جناب سرگرد چای تازه دم است گفتم بریز و لحظاتی بعد همگی ضمن

گفتگو مشغول نوشیدن چای شدیم. پس از صرف چای در داخل سنگر همه به صورت دایره گرد هم نشستیم و چنین گفتیم:

((برادران و هم رزمان عزیز و شجاع شما می بینید که امروز هم وطنان ما در این منطقه گرد هم آماده و برای دفاع از شرف و حیثیت خود مبارزه می نمایند و این عزیزان با خون خود این سرزمین را آبیاری که مجدداً زمینهای شما آزاد و به راحتی احشام خود را به سرزمین آبا و اجدادی بیاورید تا آنها از گیاهانی استفاده کنند که با خون هم وطن های شما آبیاری شده است و فرزندانان بار دیگر با آزادی و امنیت اسب سواری و احشام خود را به چرا بیاورند و هلهله و شادی فرزندان شما در دشت و صحرا بلند شود و جشن های عروسی در سیاه چادرها برگزار نمائید . فردا با توکل به خدای بزرگ به دشمن تک خواهیم کرد و انتقام خون شهدای اخیر را خواهیم گرفت. من مطمئن هستم با طرح ریزی دقیق به عمل آمده که بر مبنای موازین اصول جنگ هست در این عملیات پیروز خواهیم شد ولی به هر حال جنگ است و احتمال هر گونه حادثه ناگوار وجود دارد. به همین دلیل برای آخرین بار به شما می گویم اگر در بین شما کسی هست که حاضر به شرکت در این عملیات نیست، هیچ گونه اشکالی ندارد. زیرا ما داوطلبانه تصمیم به اجرای این ماموریت گرفته ایم و بر فرض این که موفق نشویم ، باز هم چیزی از دست نداده ایم ما ادای تکلیف کرده ایم . همین که ما با ابتدائی ترین ابزار جنگی از ۲۵ کیلومتر خاک میهن عزیز که شرف و حیثیت ما در آن است پدافند می کنیم کافی و افتخار آفرین می باشد . فکر می کنم رضای خداوند بزرگ را فراهم کرده باشیم بهر حال من منتظر نظرات شما هستم . لحظاتی در سکوت گذشت و همه به یکدیگر نگاه می کردند و در گوشه

وقایع و حوادث تلخ و شیرین قبل از عملیات / ۴۷

چشم بعضی از رزمندگان اشک دیده شد و حشمت کوه پیکر در حالیکه چشمانش پر از اشک بود گفت جناب سرگرد ما خود را برای شهادت آماده کرده ایم و تا آخرین قطره خون در کنار شما برادران ارتشی با دشمن جنگ خواهیم کرد .

قیطران پروانه که فردی بسیار ساده دل و به علت نداشتن موی سر همواره چپی بر سر داشت و چشمانش نیز دارای انحراف بود و در بین عشایر شوخ طبع نیز بود گفت جناب سرگرد اگر در این لحظه به من بگوئید با این اسلحه به سر خود شلیک کن، من خواهم زد ، بنابراین ما با شما هستیم و سایرین با شوخی گفتند زود باش همین حالا بزن. نعمت کوه پیکر گفت جناب سرگرد اگر قیطران را بدون چپی به داخل سنگر عراقی ها بفرستیم همه فرار خواهند کرد و همه رزمندگان شروع به خندیدن کردند.

یکی از عشایر را به دنبال سرباز شریف فرستادم ، وقتی آمد او را در کنار خود جای دادم و چهره مردانه و شجاع وی را بوسیدم سپس مجدداً خلاصه ای از چگونگی اجرای عملیات را بازگو و اندکی بعد به اتفاق سرباز شریف از سنگر خارج شدیم .

با سرباز شریف به دیدگاهی که در بالای سنگر من بود رفتیم و به نوری که از آنسوی نفت شهر دیده می شد خیره شدم و به او گفتم برادر عزیز این ماموریت برای شما اجباری نیست و بستگی به میل خودت دارد. اگر مایل نباشی می توانی فردا نیائی و من شخص دیگری را انتخاب خواهم کرد . این جوان آزاده و قهرمان گفت جناب سرگرد من با کمال علاقه برای رضای خدا و ملت ایران داوطلب شرکت در این عملیات هستم . من هم می خواهم انتقام خون بسیجی شهید ۷۵ ساله قهرمان علیزاده را که در جلوی چشمان

شما شهید شد و می دانم که چقدر به وی علاقمند بودید بگیرم. دستهای این سرباز دلاور را فشردم و به او گفتم برو بخواب که فردا کار زیادی داریم. لحظاتی به آسمان نگاه کردم و فکری در سرم جرقه زد، به سنگر آدمم و وصیت نامه ای نوشتم و به فرمانده گروهان قرارگاه تاکتیکی ستونیار محمدی پور دادم و به او گفتم اگر برای من حادثه ای رخ داد آن را به جناب سرهنگ محمود رستمی بدهید.

آن شب را تا صبح نخوابیدم، زیرا همواره یک فرمانده خود را در مقابل هم رزمانش مسئول می داند و هر لحظه یکی از عشایر جلوی دیدگان من می آمد. یکبار دختر نعمت کوه پیکر که سر او پر از ترکش گلوله های متجاوزین عراقی بود در جلوی دیدگانم ظاهر می شد و با خود می گفتم اگر اتفاقی برای پدرش رخ دهد به او چه بگویم ولی صدائی در ضمیر من فریاد زد شما فردا پیروز خواهید شد و این صدا شبیه صدای شهید قهرمان عزیزاده بود که چهره نورانی او همیشه در جلوی چشمانم است و می دانم دعای او بدرقه راه ما خواهد بود.

گاهی فکر می کردم اگر دشمن با این امکانات فراوان به خط پدافندی ما حمله کند چه خواهد شد و نگران می شدم ولی زمانیکه به ایمان و رشادت و روحیه سلحشوری رزمندگان فکر می کردم امید قلبی من به پیروزی بیشتر می گردید.

با این افکار شب را سپری و در حالیکه با لباس و پوتین در کف سنگر دراز کشیده بودم و چهار بند و تجهیزات در کنارم بود، صدای حشمت را شنیدم که می گفت جناب سرگرد راحت خوابیده است، برویم بیدارش کنیم که یکی از آنها گفت بگذار خودش بیدار شود. به ساعت

وقایع و حوادث تلخ و شیرین قبل از عملیات / ۴۹

نگاه کردم ساعت ۰۵:۱۰ بامداد بود، نماز خواندم و رو به قبله نشستم و گفتم (خدایا من امروز از تو پیروزی می خواهم ، به من کمک کن ، تو می دانی به ما تجاوز شده است . سپس چهار بند خود را بستم و از مهمات و نارنجک همراه خود بازدید و اسلحه خود را برداشتم و با اراده ای مصمم از سنگر بیرون آمدم . نیروهای گشتی در یک صف ایستاده و بر حسب عادت یک صدا فریاد زدند درود بر جناب سرگرد و منم با صدای بلند پاسخ دادم درود بر رزمندگان دلاور. در آن ساعت سپیده دم دیدن چهره های مصمم این مردان با آن قد و قامت ورزیده بسیار دیدنی و نور امید را در قلب من فزونی داده و از این که فرمانده آنها هستم احساس غرور و افتخار نمودم . و پس از احوالپرسی با دو دستگاه خودرو به طرف گردان یکم حرکت کردیم حدود ده دقیقه بعد در مقابل سنگر فرمانده گردان سروان رخصت پناه رسیدیم و ایشان به استقبال ما آمد، از او سوال کردم آیا موارد مشکوک و خاصی از دشمن دیده نشده است ؟ او پاسخ داد خیر. پس از دریافت این پاسخ گفتم با توکل به خداوند بزرگ عملیات را آغاز می کنیم

آغاز عملیات

در حالی که سروان رخصت پناه در کنار من ایستاده بود، سرباز علیرضا شریف به سمت من آمد . او را در آغوش گرفتم و به او گفتم کلید این عملیات تو هستی و یک جلد قرآن که در جیبم بود و قبلا شهید علیزاده به من داده بود به وی دادم و سپس آخرین دستورات را به رزمندگان ابلاغ و عملیات را با نام خدا و توکل به آن یگانه معبود شروع کردیم.

ابتدا ستوان یکم امیری با چهره ای مصمم و قامتی افراشته به همراه عشایر سنجابی و تعدادی از نظامیان به منظور اشغال مواضع از پیش تعیین شده حرکت نمودند.

نیروی هجوم در حالیکه حشمت کوه پیکر پیشاپیش آنها بود و سرباز وظیفه شریف به دنبال وی قرار داشت به سمت هدف حرکت کردند. من به اتفاق یک نفر دیده بان توپخانه و دو نفر از عشایر ورزیده و چالاک که هیبت و جثه آنان هر بیننده ای را مجذوب می کرد به موازات نیروی تاخت به سمت دیدگاهی که برای کنترل و هدایت عملیات از قبل پیش بینی شده بود و کاملاً مشرف به منطقه عملیات بود حرکت کردیم. در پائین ارتفاع دو نفر عشیره را مستقر و به اتفاق دیده بان به سمت دیدگاه از ارتفاع بالا رفتیم (توضیح این که در روز قبل یک خط تلفنی با سیم از دیدگاه تا گردان کشیده شده بود). سکوتی آرام و دلنشین بر منطقه حاکم بود و هیچ گونه فعالیتی بر روی هدف ندیدم.

خبر تلخ

در حالی که سکوت رادیوئی حاکم بود و من نیروهای خود را تحت نظر و کنترل داشتم پیامی تلفنی از گردان یکم به من رسید مبنی بر این که در سمت راست گردان یکم دشمن در کانال ها جنب و جوش دارد و چنین تصور می رود که نیروهای ما را دیده اند، حتی به یکدیگر یک نقطه را نشان می دهند، گویا عملیات لو رفته است. لحظه ای حساس و غیر قابل تصور بود و تردید در این لحظه یعنی نابودی همه چیز. بلافاصله از طریق بی سیم از فرمانده هجوم و فرمانده نیروی

وقایع و حوادث تلخ و شیرین قبل از عملیات / ۵۱
احتیاط و دیده بان توپخانه و وضعیت را جويا شدم همگی پاسخ دادند
همه چیز عادیست .

مجدداً پس از تجزیه و تحلیل، پخش این اخبار را ناشی از ترس و
یا دلسوزی بعضی از پرسنل دانستم و چون برای بار دوم بود، به آن
اهمیتی نداده و با خود گفتم شاید حرکات دشمن در آن نقطه به صورت
تصادفی و اتفاقی وجود داشته است. ضمن مشاهده منطقه که در جلوی
چشمان من بود و هیچ گونه حرکت غیر عادی ندیدم این پیام را به
فراموشی سپردم.

در این دقایق نیروی هجوم به حوالی معبر رسیده بود و آنچنان استتار
و خود را در لابلای بوته ها و شیارها مخفی نموده بودند که من به سختی
می توانستم آنها را تشخیص دهم . در این اثناء سرباز شریف و حشمت را
دیدم که به سوی معبر رفتند و پس از خنثی نمودن تله انفجاری وارد معبر
شده و به طرف دشمن حرکت نمودند.

یکی از نگهبانان در مدخل ورودی معبر را در حالیکه نیم تنه آن
مشخص بود در حال حرکت دیدم ، احساس کردم شاید صدائی شنیده باشد
به هر حال پس از لحظه ای از جلوی من ناپدید شد.

مجدداً سرباز وظیفه شریف و حشمت را دیدم که به ابتدای معبر رسیده
و با یک حرکت سریع هر دو نفر به داخل کانال دشمن پریدند و لحظاتی
بعدکسی را ندیدم.

با حرکت نیروی گشتی به سمت معبر متوجه شدم که حشمت موفق
شده است . لحظاتی بعد صدای انفجارهای مهیبی به همراه دود و آتش
هویدا شد و متعاقب آن صدای رگبار گلوله ها بر منطقه طنین انداخت و

جنگ تن به تن آغاز شد. دشمن که کاملاً در روز روشن غافلگیر شده بود گیج و مبهوت و به صورت پراکنده تیراندازی می کرد.

صدای انفجار که ناشی از اصابت آرپی جی ۷ به تانک ها و مهمات بود پی در پی شنیده می شد. نیروی تاخت پس از انهدام کامل نیروهای دشمن و مواضع و ادوات آنها به سرعت از معبر خارج شده و با استفاده از شیارها به طرف مواضع خودی حرکت نمودند. در اولین پیام از حشمت پرسیدم آیا همه سالم هستید و اسیر گرفتید؟ پاسخ داد یک نفر نزد من است و چند نفر نزد سایر همزمان است. خدا را شکر کردم که عملیات بدون تلفات انجام شده و مهمترین بخش ماموریت که همانا گرفتن اسیر است عملی شده است.

نیروهای گمجن پس از عملیات برق آسا و سریع تعداد ۱۰ نفر از نیروهای دشمن را به اسارت گرفته و آن ها را به سمت معبر هدایت نمودند لیکن در انتهای معبر پس از گذشتن از میادین مین، یکی از اسرا به منظور فرار مبادرت به پرتاب نارنجک نمود و این عمل وی باعث شد اسرا فرار و روی میدان مین خودشان رفته و به هلاکت رسیدند. دو نفر از آن ها مجدداً دستگیر که یکی از آن ها مجروح و هنگام تخلیه در بین راه به علت خونریزی شدید کشته شد و نفر دوم تخلیه گردید و بعداً گزارش داده شد عراق اجساد کشته شده خود را در شب های بعد تخلیه نموده است. شایان ذکر است که نیروهای گردان یکم به رغم این که آنها را در هنگام تخلیه جنازه ها دیده بودند با جوانمردی بدون هیچ گونه تیراندازی اجازه تخلیه جنازه ها را به دشمن دادند.

پس از حصول اطمینان از دور شدن نیروی تاخت از مواضع دشمن که در حقیقت به پشت دیدگاه رسیده بودند، نیروهای عراقی را دیدم که

وقایع و حوادث تلخ و شیرین قبل از عملیات / ۵۳

سراسیمه به هر طرفی می دوند و بی هدف تیراندازی می نمایند. تعدادی از سربازان دشمن از روی پلی که بر روی رودخانه بود به سمت منطقه درگیری در حال دویدن بودند و هر لحظه تعداد آنان بیشتر می گردید. تعدادی از روی کنجکای روی تپه ها ایستاده تا بفهمند چه اتفاقی رخ داده است و در بین آنها احتمالاً فرماندهانشان نیز بوده است. بلافاصله فرمان اجرای آتش را صادر نموده و خود را به سرعت به دیدگاه اصلی توپخانه رسانیدم زیرا می دانستم این محل زیر دید و تیر مستقیم دشمن است و به زودی آنجا منهدم خواهد شد. در چند متری دیدگاه اصلی توپخانه بودم که تیراندازی توپخانه و خمپاره اندازها شروع شد و وقتی از دیدگاه با دوربین به مواضع دشمن نگاه کردم متوجه شدم که تلفات سنگینی به نیروهای دشمن وارد شده است و در اثر تخریب پل نیروهای کمکی قادر به حرکت به سمت این سوی رودخانه (محل درگیری) نبودند. به دیدبان گفتم گلوله با ماسوره زمانی درخواست نماید و در همین گیر و دار متوجه شدم دیدگاه قبلی که در نزدیکی دشمن بود و از آنجا عملیات را هدایت می کردم زیر آتش قرار گرفته و کاملاً منهدم گردید و دشمن زبون می خواست از آنجا انتقام بگیرد.

به نیروی احتیاط نیز دستور عقب نشینی صادر و از دیدگاه به سمت مواضع گردان یکم حرکت کردیم. تیر اندازی توپخانه دشمن نیز شروع و گلوله های توپخانه مانند توپ والیبال ردو بدل می گردید و فضای منطقه را دود و خاک و صدای انفجار گلوله ها فرا گرفته بود و انسان در آن لحظات هر ثانیه انتظار اصابت ترکشی را داشت.

وقتی که نفس زنان به اتفاق همراهان به مقابل سنگر فرمانده گردان رسیدیم تعدادی از عشایر ایل سنجابی و دکتر پاشاخانو به طرف ما آمده و

همه به یک دیگر تبریک گفتیم . اولین کسی که از نیروی تاخت نزد من آمد فیاد شعله ور بود که با قامت بلند و مردانه خود یک نفر اسیر با خود آورده بود. اسیر عراقی که تمام مسیر را دویده بود و ترس بر او مستولی شده بود و عرق از سر و صورت او جاری بود فریاد می زد امام امام . اسیر عراقی در مقابل من خود را به خاک انداخت ولی من او را بلند کرده و نوازش نمودم و به یکی از عشایر که عربی می دانست، گفتم به او بگوید در پناه ارتش ایران بوده و در امنیت کامل خواهد بود و سپس قهرمان دلاور فیاد شعله ور را در آغوش گرفته و به او تبریک گفتم .

به تدریج سایر نفرات رسیدند و آخرین نفر حشمت کوه پیکر بود که با یک اسیر عراقی خندان به طرف من آمد و فریاد زد جناب سرگرد ناراحت نباشید، صورت من یک خراش جزئی دارد وقتی به من رسید دیدم یک طرف صورتش آغشته به خون است ، پرسیدم چه شده پاسخ داد ترکش نارنجک به صورت من اصابت ولی سطحی بود و به خیر گذشت . دست مردانه وی را فشردم و به او تبریک گفتم .

در خاتمه ستوان یکم امیری با چهره ای شاد به ما ملحق شد و زمانیکه مجدداً از او پرسیدم آیا همه سلامت هستند پاسخ داد یکی از رزمندگان در اثر اصابت ترکش مجروح شده و حال وی خوب است و در صورت نیاز به بیمارستان اعزام خواهد شد. بلافاصله به دیدن رزمنده مجروح رفتم و دیدم حالش خوب و با تبسم به من گفت جناب سرگرد پیروز شدیم ، گفتم بله و پیشانی این دلاور مرد را بوسیدم .

وقایع و حوادث تلخ و شیرین قبل از عملیات / ۵۵

گردان یکم متشکل از عشایر ایل سنجابی و نیروهای نظامی بودند و از فرط نشاط از سنگرها و کانال‌ها بیرون آمده و شادی می‌کردند. هم‌زمان آتش توپخانه دشمن شدت گرفت که به سروان رخصت پناه دستور دادم سریعاً عشایر به داخل سنگرها و کانال‌ها بروند. در همین زمان که در حال گفتگو با حشمت بودم گلوله توپخانه ای بین من و او به زمین خورد، به صورت هم نگاه کردیم و او گفت خدا با ماست.

با افزایش و تشدید فعالیت توپخانه دشمن پیامی به فرمانده آتشبار دادم تا با حداکثر امکانات به آتش توپخانه پاسخ داده و از گروه توپخانه مستقر در منطقه درخواست آتش نماید و شخصاً نیز چنین درخواستی از قرارگاه عملیاتی غرب به عمل آوردم.

فعالیت یگان توپخانه و خمپاره‌انداز در این مقطع زمانی بسیار حساس و تلاش آنها در خاموش کردن آتش دشمن قابل تقدیر و ستایش بود. آتش توپخانه و خمپاره‌اندازها در از بین بردن نیروهای دشمن بسیار موثر و می‌توان گفت تعداد تلفات دشمن در اثر آتش توپخانه بیش از حد تصور بوده است و نقش توپخانه از هر نظر قابل تقدیر است و سهم بزرگی در این پیروزی داشت.

به سروان رخصت پناه دستور دادم در آماده باش کامل بوده و همه نفرات در سنگرها و آماده دفع هر گونه حمله دشمن باشند.

طولی نکشید که شدت آتش توپخانه دشمن به تدریج کاهش می‌یافت این‌جانب به همراه گروه تاخت به سمت قرارگاه تاکتیکی حرکت کردیم. در حین حرکت مشاهده کردم دو فروند هلی‌کوپتر عراقی در فضای منطقه در حال پرواز هستند که با آتش توپ‌های پدافند و تیربارها مبادرت به فرار

نمودند . به محض ورود به قرارگاه تاکتیکی مورد استقبال رزمندگان ارتشی و عشایر قرار گرفتیم که پس از احوال پرسی اقدامات زیر انجام گرفت :

- ارسال خبر پیروزی به قرارگاه عملیاتی غرب
- ابلاغ دستور به یگان تانک به منظور حرکت به سمت گردان یکم گمجن و استقرار در مواضع از قبل پیش بینی شده
- تماس تلفنی با فرمانده تیپ ۳ جناب سرهنگ سهراب صدری، پایان یافتن موفقیت آمیز این مأموریت را به اطلاع نامبرده رساندم و ایشان ضمن ابراز خوشحالی از دریافت این خبر، درخواست نمودند اطلاعات به دست آمده از اسرا را در اختیار آنان بگذاریم.

- بازجویی مقدماتی از اسرا با کمک سرباز شریف
- دستور به فرمانده گروهان قرارگاه تاکتیکی ستوانیار محمدی پور مبنی بر آمادگی کامل با توجه به این که قرارگاه در دید و تیر خمپاره انداز های دشمن است .

قرارگاه عملیاتی غرب از لحظه شنیدن دریافت گزارش عملیات چند مرتبه موکداً ابلاغ نمود سریعاً اسرا را به منظور باز جویی و کسب اطلاعات به قرارگاه تخلیه نمائید. پس از اطمینان از تثبیت اوضاع در معیت نیروهای تاخت همراه با اقلام اغتنامی به طرف قرارگاه غرب حرکت کردیم.

خبر موفقیت گمجن به سرعت در منطقه پخش شده به طوری که در بین راه حوادثی رخ داد که نمونه ای از آن را در جهاد سازندگی استان خراسان بیان می کنم:

لازم است کمی به عقب برگردم و از انجا شروع کنم که در اوائل بهمن ماه ۶۳ به طرف قرارگاه تاکتیکی در حرکت بودم ، به علت بارش شدید باران

وقایع و حوادث تلخ و شیرین قبل از عملیات / ۵۷
و جمع شدن آب در گوشه و کنار، خودروی ما در گل فرو رفت . در این لحظه تعدادی از برادران جهاد سازندگی که مشغول احداث پل و مرمت جاده بودند به منظور کمک به سوی ما آمدند. یکی از آنها با لهجه غلیظ خراسانی به من گفت جناب سرگرد به این دشمنان کافر حمله کنید، چند روز پیش در اثر ترکش گلوله ها چند نفر از برادران ما مجروح و یک نفر نیز اسیر شده است. ضمن دلداری به او گفتم برادر جهاد گر بی سنگر من هم از فرزندان سرزمین خراسان هستم مطمئن باش در آینده نزدیکی از دشمن انتقام خواهیم گرفت ، او گفت (خدا پشت و پناه همه رزمندگان باشد).

در بین راه وقتی به جاده آسفالت سومار رسیدیم، به یاد آن برادر هم شهری خراسانی افتادم ،لذا تصمیم گرفتم به دیدار برادران جهادی که در محور سومار مستقر بودند بروم و به آنها بگویم برابر قول سربازی خود عمل کردم و آنها را در این شادی سهیم نمایم. هنگامیکه به مقابل تاسیسات جهاد رسیدیم متوجه شدم که آنها از عملیات ما آگاه هستند و این مردان بی ریا که اغلب روستائی بودند به استقبال رزمندگان آمدند و الله اکبر گوین به دور رزمندگان حلقه زدند. یکی بیسکویت و دیگری شکلات تعارف می کرد چون فرصت نداشتیم به روی خودرو رفتیم و به آنها گفتم برادران عزیز هم شهری من ، مدتی قبل به یکی از شما ها قول داده بودم که در آینده نزدیکی به دشمن حمله خواهیم کرد ما به قول خود عمل کردیم و امروز رزمندگان گمجن به دشمن حمله نمودند و تلفات سنگینی به آنها وارد کردند و اکنون دو نفر اسیر عراقی در جلوی دیدگان شما هستند. مطمئن باشید که انتقام خون شهدای اخیر گرفته شده است و مشابه این عملیات در آینده ادامه خواهد داشت . برادران جهادگرا فریاد الله اکبر، درود بر برادران ارتشی،

درود بر عشایر قهرمان از ما قدردانی کردند حتی هنگام خروج از محوطه جهاد سازندگی تعداد سه دستگاه خودرو از برادران جهاد گر با فریاد الله اکبر تا مسافتی ما را بدرقه کردند. رزمندگان گمجن نیز با فریاد الله اکبر به ابراز احساسات آنها پاسخ گفتند.

از این که توانسته بودم دل برادران جهادگر ، سپاهی و بسیجی را شاد کنم خیلی خوشحال و اشک در چشمانم حلقه زده بود . باید بگویم رمز ایستادگی و مقاومت و پیروزی در مقابل دشمن تا دندان مسلح همین برادری و عشق به یک دیگر بود

حضور در قرارگاه عملیاتی غرب یکی از روزهای فراموش نشدنی زندگی من است. در آن روز حدود ساعت ۱۳۰۰ وارد قرارگاه شدیم . به محض ورود مورد استقبال رئیس ستاد قرارگاه ، جناب سرهنگ حسین شمس نیا و کارکنان ستاد قرار گرفتیم (خاطر نشان می سازد من ارادت قلبی و علاقه وافری به ایشان داشتم). نامبرده که فرماندهی با دانش و بینش بود در حالیکه اشک شوق در چشمانش جمع شده بود از من سوال کرد آیا تلفاتی داشتید و من پاسخ دادم خیر .

ایشان پشت میز خود رفت و خبر این پیروزی را تلفنی به فرمانده نیروی زمینی امیر شهید سپهبد علی صیاد شیرازی و امیر شهید یعقوب علیاری اطلاع دادند . امیر شیرازی دستور دادند چون امروز ۲۲ بهمن است سریعاً جزئیات به تهران گزارش شود. من به اتفاق همکاران و رکن ۲ و ۳ قرارگاه با توجه به بازجویی مقدماتی گزارش خلاصه عملیات را تهیه و تحویل دادم .

وقایع و حوادث تلخ و شیرین قبل از عملیات ۵۹/
رزمندگان نهار را در کنار رئیس ستاد قرارگاه در حالیکه همه شاد و
خندان بودند صرف نموده و پس از آن کارکنان قرارگاه به ما تبریک گفته و
من در حالیکه تمام وجودم را خوشحالی فرا گرفته بود از ستاد خارج و به
آسمان نگاه کردم و گفتم خدایا سپاسگزارم .

من از فرصت استفاده نموده و طی تماس تلفنی خبر این پیروزی را به
فرماندهی گمجن جناب سرهنگ محمود رستمی اطلاع دادم . بعدها ایشان به
من گفتند این خبر برای من فوق العاده مسرت بخش بود و آن را لطف الهی
دانستم ، زیرا چنانچه عراقی ها اگر کمی هوشیار بودند و غافلگیر نمی شدند
نتیجه کاملاً معکوس و مصیبت بار می شد، چه بسا تعدادی از نیروهای خودی
کشته و یا اسیر می شدند.انجام موفقیت آمیز این تاخت آنهم در روز روشن
جز لطف الهی نمی تواند چیز دیگری باشد هر چند که من به مدیریت و
درایت و هوش شما اعتقاد دارم . اجرای این عملیات برابر تمام اصول مدون در
کتاب رزم تکاور است و تمام قواعد و مسائل رعایت شده بود. از همه مهمتر
قبول مسئولیت و انجام چنین کاری قابل تقدیر است .

هنگام خداحافظی سرهنگ شمس نیا مرا به کناری کشید و گفت
هوشیار باشید که دشمن تلافی نکند و هر کمکی که خواستی به من اطلاع
دهید . پاسخ دادم خیالتان راحت باشد پیش بینی های لازم انجام شده است

خاطرات رزمندگان

عمل روی هدف از زبان رزمندگان جالب و شیرین و شنیدنی است که من عیناً آنها را بازگو می کنم:

سرباز وظیفه سید علیرضا شریف: من با حشمت خزیده به طرف نگهبان عراقی رفتیم و هر چه که نزدیکتر می شدیم دلهره ام بیشتر می گردید. زمانی که دیدم یک نفر نگهبان وجود دارد بسیار خوشحال شدم و با نگاه و لبخند به یک دیگر نگاه کردیم ، سرباز عراقی که در کنارش یک قبضه دوشکا دیده می شد ضمن قدم زدن آواز می خواند و سوت می زد . حشمت به من اشاره کرد ، جلو بروم ، وقتی به چند قدمی او رسیدم، دیدم حشمت به سمت او نشانه گیری نموده و من آهسته به او گفتم در محاصره ایرانی ها هستی و بی سر و صدا تسلیم شو و گرنه کشته می شوی . سرباز عراقی که قالب تهی کرده بود به چپ و راست خود نگاه می کرد و فکر می کرد خواب می بیند و برای بار دوم در حالیکه با اسلحه به سمت او نشانه گیری کرده بودم فریاد زدم تسلیم شو و گرنه کشته می شوی ، ناگهان حشمت مانند یک شیر خود را به طرف او پرتاپ و سرباز عراقی در یک چشم بهم زدن اسلحه اش را به زمین انداخت و تسلیم شد ، من فوراً تفنگ نگهبان عراقی را برداشتم و او را به طرف معبر جهت خارج نمودن از منطقه نبرد هدایت نمودم و حشمت گفت او را سالم باید تحویل دهید.

خاطرات رزمندگان / ۶۱

حشمت کوه پیکر: من سعی داشتم تعداد زیادی را به اسارت بگیرم ولی بچه ها فرصت اسیر شدن به دشمن را ندادند و ما بیم آن را داشتیم که اگر سریع عمل نکنیم و آنها را نکشیم آنها ما را خواهند کشت. من داخل یکی از سنگرها چندین نارنجک پرتاب کردم و فکر نمی کنم کسی در آن سنگر زنده مانده باشد و حتی از نارنجکهای خود عراقی ها جهت کشتن آنها استفاده کردم. یکی از عراقی ها لوله تفنگ خود را از سنگری بیرون آورده بود و بی هدف تیراندازی می کرد ، لوله تفنگ او را گرفتم و کشیدم و بعد یک گلوله به سرش زدم. عراقی ها با دیدن ما از ترس فرار می کردند.

نعمت کوه پیکر: من با این آرپی جی ۷ (که در گذشته از عراقی ها به غنیمت گرفته بودم) ابتدا تانکر نفت و بنزین و گازوئیل آنها و سپس تانک ها و سنگرها را منهدم کردم و از گلوله های عراقی ها خیلی استفاده کردم . هنگام عقب نشینی یکی از سربازان عراقی فریاد زد عدنان ، عدنان (عدنان نام یکی از اسرا بود) من هم پاسخ دادم عدنان را بردیم به ایران و من فانسقه یک افسر عراقی و اسلحه کمری او را باز کردم و به عنوان یاد بود برای شما آوردم و تفنگ غناسه دوربین دار را پس از کشتن یک سربازعراقی با خود آوردم.

قیطران پروانه : من هیچ گونه ترحمی به آنها نکردم ، ضمن پرتاب چندین نارنجک به داخل سنگرها تعداد زیادی از آنها را کشتم و با یک آرپی جی ۷ که متعلق به عراقی ها بود دو خودروی دشمن را منهدم کردم.

جلیل رجبی : من پس از پرتاپ چند نارنجک به داخل سنگرها و به رگبار بستن آنان غنائم را شامل آرپی جی ۷ و تفنگ و یک قبضه کلاش با خود آوردم.

فیاد شعله ور : من در یک یورش تعداد زیادی از آنان را به رگبار بستم و تعدادی را به اسارت گرفتم ولی موفق به آوردن آنها نشدم زیرا پس از خارج شدن از معبر یکی از آنها نارنجک پرتاپ و باعث درگیری و فرار آنها و رفتن به روی مین های خودشان شد.

نصرت کوه پیکر: من انتقام خون برادر شهیدم و دیگر برادرانی را که به دست سربازان عراقی شهید شده بودند گرفتم و تا توانستم کشتم و خیلی هم خوشحال هستم (کوچکترین برادر او در اوائل جنگ در نبرد با متجاوزین شهید شده بود)

قدرت کوه پیکر: من با آرپی جی هفت سه دستگاه از تانک های دشمن را منهدم کردم که آتش و دود آنها منطقه را پر کرده بود و مهمات داخل تانک ها منفجر و صداهای مهیبی به گوش میرسید و تعدادی از نیروهای دشمن را روی پل به رگبار بستم

شاه مراد خسروی: در حالیکه دود و آتش و خاک از همه جا بلند شده بود چشم من به یک آرپی جی و تعداد زیادی گلوله افتاده آن را برداشتم و به یک سنگر که نزدیک بود تیراندازی کردم و در اثر اصابت گلوله ها انفجارات شدیدی به وجود آمده و تصور می کنم که آنجاسنگر مهمات بود و

خاطرات رزمندگان / ۶۳

این انفجار شدید و سرو صدای زیاد آن باعث رعب و وحشت در بین عراقی ها گردیده بود.

عشیره عسگر پرموزه : من روی یک سکو در نزدیکی معبر نشسته بودم و هر عراقی را که می دیدم با گلوله می زدم . در این اثنا مشاهده نمودم که تعدادی از عراقی ها فوق العاده ترسیده بودند و به طرف میدان مین فرار می کردند و چند نفر در اثر انفجار مین کشته شدند.

عشیره قیطران پرویش: عراقی ها دست پاچه شده بودند و حتی به یک دیگر تیر اندازی می کردند و من نیز با یک تیر بار کلاش تا آنجا که فرصت بود از عراقی ها کشتم

عشیره اکبر ولی زاده : من پس از انداختن دو عدد نارنجک به داخل سنگرها به باک یک خودرو تیراندازی کردم که بلافاصله خودرو آتش گرفت.

عشیره مردان دهقان زاده : من پس از پرتاب نارنجک به داخل سنگرها یک تانکر چرخدار را که در آن مواد سوختی بود به رگبار بستم که منفجر گردید

حوادث و رویدادهای بعد از عملیات

پس از مراجعت از قرارگاه غرب در عصر روز ۲۲ بهمن همه فرماندهان و مسئولین را احضار کردم و به آنها گفتم به یاری خداوند ما امروز پیروز شدیم و خیر آن را امشب در اخبار رادیوها خواهید شنید . ما باید در حفظ آن تلاش نمائیم ، بنابراین تا اطلاع ثانوی در آماده باش کامل بوده و هر گونه حرکت دشمن به شدت سرکوب شود . از یگان تانک می خواهم که از همین امشب با روشن کردن تانک ها و جابه جا کردن آن در دل دشمن هراس ایجاد نماید و در صورت نیاز به آتش آنها شدیداً پاسخ دهید.

روز ۲۳ بهمن را من جنگ تانک ها نامیدم زیرا در ساعت ۱۶۰۰ آن روز عراق با انواع سلاح های موجود مواضع ما را زیر آتش گرفت. از آنجائیکه نیروهای ما آمادگی لازم را داشتند ، با شدت به آتش دشمن پاسخ داده و تانک های ما به روی سکوهای پیش بینی شده از قبل رفتند و نبردی سهمگین را آغاز کردند و با جابجایی و تغییر مواضع ، دشمن را کلافه نموده بودند . به راستی دشمن نمی دانست چه تعداد تانک به منطقه آمده است. این یگان زرهی به رغم تعداد کم تانک ها چون تحت تاثیر فداکاریهای رزمندگان گمجن قرار گرفته بودند مردانه مبارزه و تا آن روز من ندیده بودم که تانک همانند تیر بار و پشت سرهم با این قدرت و حجم آتش تیر اندازی کند که می توان گفت دشمن در نهایت اجباراً تیراندازی خود را قطع کرد و سربازان و عشایر با تیراندازی و شجاعت غیر قابل وصف نیز مواضع دشمن را زیر آتش خود قرار دادند. در آن روز ستوانیار سیمین به اتفاق ستوانیار

حوادث و رویدادهای بعد از عملیات / ۶۵

محمدی نزد من آمدند و گفتند جناب سرگرد شاید اگر امروز قدرت نمایش و آتش تانک ها نبود دشمن به ما حمله می کرد.

در غروب روز ۶۳/۱۱/۲۴ ستوانیار محمدی پور به من اطلاع داد گشتی های دشمن از بین گردان ۱ و ۲ نفوذ کرده اند و در مقابل قرارگاه تاکتیکی دیده شده اند و این خبر به سرعت بین رزمندگان پخش شد. من به دیدگاه بالای سنگر خود رفتم و دیدم عشایر سنجایی در حالیکه تفنگ ها را به روی سر خود می چرخانند به سمتی که گشتی های عراقی دیده شده بودند بدون این که دستوری به آنها داده شده باشد می دوند . بسیار نگران شدم و با خود گفتم مبادا در کمین دشمن بیفتند و جنب جوش شدیدی در بین نیروها دیده شد و به ناگاه دیدم که از سمت عراق گلوله های منور به صورت تیر بار تیر اندازی می شود ، بعدها فهمیدم که این علامت دستور به گشتی های عراقی جهت عقب نشینی بوده است.

توضیح این که خط پدافندی گمجن به علت کمبود نیرو و موقعیت زمین پیوسته نبود و به منظور جبران این کمبود فرمانده گمجن در آرایش دادن نیروها از گذشته ترتیبی داده بود که قرارگاه تاکتیکی کمی در عقب و در محدوده همان فضای اشغال نشده قرار گرفته بود، در حقیقت قرارگاه گمجن نیز خود مانند یگان در خط بود.

در بامداد روز ۲۵ بهمن یکی از سر گروه های ایل سنجایی به اتفاق دو نفر دیگر نزد من آمدند و اظهار داشتند : جناب سرگرد ما هم می خواهیم در یک حمله به دشمن شرکت کنیم . به آنها گفتم پدافند نیز یک عملیات رزمی است من فعلاً از شما می خواهم که در نهایت هوشیاری مراقب باشید و اگر دشمن حمله کرد آنها را نابود کنید. از خصائل و ویژگیهای ایل سنجایی

انضباط آنها بوده است و واقعا و به صورت مردانه و بیدار ماندن در شب ها و تقسیم کار بین خود این وظیفه خطیر را انجام دادند . شاید اگر این ایثار آنها نبود دشمن ضربه ای وارد می کرد. نکته جالب این که این مردان وظیفه شناس هر شب به منظور جلوگیری از هر گونه غافلگیری نیروهای کمین به جلو اعزام و تا بامداد در آن محل مستقر و در طلوع آفتاب مراجعت می کردند. از دیگر وقایع این روز تا آنجا که یادم هست دو فروند هلی کوپتر در فضای منطقه دیده شدند که با انبوه شدید آتش نیروهای گمجن (توپ پدافند - تفنگ - تیر بار - آرپی جی ۷ - تیر بار روی تانک) مواجه و فرار کردند . در طول این مدت ، نیروی تاخت در کنار سنگر من مستقر و آماده اجرای هر گونه ماموریت بودند و من آنها را به عنوان یک نیروی واکنش سریع در نظر گرفته بودم.

چند شب متوالی نخوابیدم و مصمم بودم این پیروزی را به هر قیمتی حفظ کنم یک روز در حالیکه با نعمت کوه پیکر صحبت می کردم به علت خستگی بیهوش و خوابم برد بعد از این که از خواب بیدار شدم ، دیدم نعمت در مدخل ورودی سنگر خواب است ، لحظه ای تعجب کردم ، و او را صدا زدم وقتی بیدار شد گفتم اینجا چه می کنی ، فکری کرد و گفت ببخشید شما خوابیدید و من در این جا مراقب شما بودم که من هم خوابم برد .

از اواخر بهمن دشمن فعالیت های شناسائی هوائی خود را افزایش داد. یک روز قرارگاه تاکتیکی دقیقاً در امتداد سنگر من توسط یک فروند هواپیما بمباران گردید ولی خوشبختانه خلبان خطا کرد و بمبهای وی در خارج از قرارگاه به زمین اصابت کرد. فردای آن روز سنگر فرماندهی را جا به جا نمودم (خطای دشمن حدود ۱۰۰ متر بود) و این جز لطف الهی چیز دیگری

نتایج عملیات / ۶۷

نبود. زمانیکه فرمانده گمجن به منطقه آمد، اولین سوال این بود که چرا محل سنگر عوض شده است و من اتفاقی را که رخ داده بود تشریح کردم.

نتایج عملیات:

۱- تحقق بخشیدن به اوامر صادره از سوی فرماندهی قرارگاه مبنی بر گرفتن اسیر از دشمن. اسامی اسرا عبارتند از:

علی خجیل راشد جمعی دسته ۷ گروهان ۳ گردان ۲ پیاده تیپ ۸۰ زرهی
عدنان حمزه علی راشد جمعی دسته ۹ گروهان ۳ گردان ۲ پیاده تیپ ۸۰
زرهی

۲- تامین اهداف مورد نظر از جنبه تبلیغاتی به حدی بود که عملیات فوق در صدر اخبار شامگاهی تلویزیون در ۲۲ بهمن قرار گرفت
۳- کسب اطلاعات لازم از اسرا در رابطه با:

الف- تعیین هویت و شناسایی یگان هایی که تک های محدود را اجرا کرده بودند.

ب- تعیین محل استقرار یگانها و قرارگاه های دشمن در منطقه

۴- اقدامات انجام شده پس از جمع آوری اطلاعات:

الف- اجرای آتش شدید توپخانه های مستقر در منطقه نفت شهر توام با غافلگیری روی قرارگاههای عمده و مراکز تجمع نیروهای دشمن در مورخه ۶۳/۱۱/۲۴

ب- طرح ریزی مناسب به منظور مقابله با گردان کماندویی که تک های محدود را انجام داده بودند

پ- بمباران هوایی مناطق مورد نظر توسط هواپیماها بر مبنای اطلاعات دریافتی

۵- برابر اطلاعات دریافتی از اسرا مبنی بر تجمع نیرو در منطقه نفت شهر و آوردن نیروهای جدید احتمال می رود که اگر این اقدامات انجام نگرفته بود دشمن به ارتفاع ۴۰۲ مجدداً حمله وسیعی می کرد

۶- به دست آوردن غنایم مشروحه زیر به عنوان یادبود از این عملیات . لازم به توضیح است که در عملیات تاخت جمع آوری غنائم در مقیاس زیاد میسر نمی باشد:

تفنگ غناسه ده تیر دوربین دار	یک قبضه
تیربار کلاش	یک قبضه
آرپی جی هفت	یک قبضه
تفنگ کلاش	دو قبضه
دوربین دو چشم	دو دستگاه
اسلحه کمری	یک قبضه

۷- تقویت روحیه رزمندگان: روحیه رزمندگان اعم از سربازان و عشایر پس این عملیات بسیار تقویت گردید. (توضیح این که در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ که با امیر صدری فرمانده سابق تیپ ۳ و معاون وقت هماهنگ کننده نزاجا صحبت می کردم، اظهار داشت عملیات آن روز شما باعث افتخار و خوشحالی همه شد و روحیه همه رزمندگان تقویت گردید، صادقانه بگویم آن روز کار بزرگی انجام دادید. خاطر نشان می سازم من نیز به این امیر سرافراز ارادت و علاقه خاصی پیدا کرده بودم ، زیرا همواره به ما کمک می کرد)

۸- تضعیف روحیه دشمن: دشمن پس از عملیات فوق مبادرت به تقویت نیروهای خود نمود و پست های نگهبانی و دیده بانی او افزایش یافت به طوری که روزها مانند شب ها افراد در حال نگهبانی بودند . در مجموع

یادی از شهدا و جانبازان / ۶۹

دشمن مبادرت به تقویت پدافند خود نمود که قطعاً ادامه این وضعیت باعث تحلیل و خستگی او گردید .

۹- تلفات و ضایعات وارده به دشمن :

الف- به هلاکت رساندن بیش از ۸۰ نفر از نیروهای دشمن

ب- انهدام چندین دستگاه خودرو و تانک

ج- انهدام مواضع و استحکامات و انبار مهمات

د- منهدم نمودن اقلام معتنابهی از تجهیزات دشمن

۱۰- افزایش همبستگی و یک دلی مردم منطقه با رزمندگان نظامی

یادی از شهدا و جانبازان

یاد و خاطره ای از هم‌زمان شهیدی که اکنون در بین ما نیستند و یا جانباز هستند :

هر که را مهر وطن در دل نباشد کافر است؛

معنی حب الوطن فرموده پیغمبر (ص) است

هست ایران مادر و تاریخ ایران پدر؛

جنبشی کن گر تورا ارث از پدر وز مادر است

هر که بهر پاس عرض و مال و مسکن داد جان ؛

چون شهیدان از می فخرش لبالب ساغر است

شهید امیر سرافراز یعقوب علیاری فرمانده قرارگاه عملیاتی غرب،

افسری شجاع ، توانا ، مهربان و تکاوری بزرگ . به خاطر دارم در معیت امیر سرتیپ محمود رستمی در روزهای پایانی عمر ایشان به دیدار این فرمانده بزرگ به بیمارستان ارتش رفتیم. او در حالت کوما و همسرش در کنار وی ایستاده بود در یک لحظه چشمانش را باز کرد و با آن لبخند همیشگی رو به همسرش کرد و گفت این محمود تکاور عزیز فرمانده هواپرد و این جمیلی عزیز گمجنی دلاور است که رشادتها و زحمات زیادی در جنگ متحمل شدند ، هر دو از عزیزان من هستند ، خیلی فداکاری کردند. **روحش شاد باد.**

یادی از شهدا و جانبازان / ۷۱

شهید عشیره علیمراد الماسی اولین شهید گمجن از ایل کلهر که در عملیات آفندی تک ۱۴ دی ماه ۱۳۵۹ در تنگ حاجیان به شهادت رسید یادش گرامی و روحش شاد باد.

شادروان سرگرد محمد شهسواریان افسر عملیات گمجن در سالهای ۵۹ و ۶۰ و بعداً در مدت کوتاهی به عنوان فرمانده گمجن که من نیز معاون ایشان بودم. به خاطر دارم در حالیکه دو بار عمل جراحی ریه کرده و بسیار ضعیف شده بود ، از من خواست که او را به قصر شیرین که تازه آزاد شده بود ببرم ، زمانیکه وارد این شهر شدیم چیزی از شهر به جای نمانده بود به روی زمین نشست و گفت خدایا به من سلامتی عنایت کن تا انتقام از این دشمنان بی رحم بگیرم .

عشیره جانباز شیمیائی(شهید) پاشا رضائی از بزرگان و ریش سفیدان ایل کلهر که فوق العاده مورد احترام مردم ایلش بود. همواره حضوری فعال در جبهه داشت و حضورش مایه دلگرمی همزمانش بود و در جنگ بسیار زحمت کشید روحش شاد، یادش گرامی باد . به خاطر دارم روزی قرار بود یک گردان ژاندارمری را در داربلوط گیلانغرب تعویض کنیم و به رغم نداشتن نیروی کافی ، این مرد با تقوا در راستای تعویض این گردان در جمع آوری نیرو و فداکاریهای زیادی کرد و کار را برای ما سهل نمود.

شهید عشیره قهرمان علیزاده، ۷۵ سال سن از اوایل جنگ تحمیلی مردانه در صف مبارزه با دشمن ایستاد و سرانجام در اثر ترکش خمپاره در قرارگاه تاکتیکی در تاریخ ۱۳۶۳/۹/۶ شهید شد. هنگام شهادت گفت کسی برای من ناراحت نشود، شما هستید تا متجاوزین را از سرزمینمان بیرون کنید، روحش شاد، یادش گرامی باد.

شهید سید کریم یکی از فرماندهان گشتی برد بلند گمجن بود که به دفعات عملیات گشتی تاخت (دستبرد) را با اعتماد به نفس کامل اجرا و ضربات مهلکی بر دشمن وارد نمود. پس از شهادت در حوالی رودخانه کنگاگوش، قرارگاه غرب بیاد این رزمنده دلاور و برای ثبت در سینه تاریخ محل شهادت ایشان را به نام تپه سید کریم نامگذاری نمود

سایر شهدا و جانبازان گمجن عشایری از بین نظامیان و کارمندان نیز می توان برای نمونه از غیر نظامی شهید کارمند آربین محمودی جمعی سماجا و استوار نورا.... مهرآوران از نظامیان مامور به گمجن عشایری، اعزامی از پایگاه هوایی شیراز و استوار یکم رضا سپیده دم جمعی دژبان مرکز و سرباز وظیفه حسن فیروزی و سرباز کاوه علوی جمعی سازمان قضائی نام برد که در قله ۱۰۰۸ بازی دراز و گیسکه (ارتفاعات مشرف به مندلی) و دیگر نقاط میهن عزیز شهید شدند. با درود به همه جانبازان و شهدای بمباران شیمیائی مورخه ۶۵/۱۰/۱۰ بویژه جانباز شیمیائی **امیر سرتیپ ۲ احمد اسدی** که در تاریخ فوق شیمیائی شد.

یادی از شهدا و جانبازان / ۷۳

سرهنگ ستاد جانباز مجتبی رضائی فرمانده گردان عشایری که از آغاز تشکیل گمجن تا سال ۱۳۶۳ در تمام مناطق عملیاتی ایثار و فداکاری نمود.

خاطره ای از شهید گمنام: در سال ۱۳۶۲ در معیت فرمانده گمجن سرهنگ رستمی از خط گردان سوم که در منطقه نفت شهر در مقابل تپه سرخه که تقریباً منطقه ای بدون عارضه بلند بود بازدید می کردیم . فاصله تا دشمن نزدیک بود و دشمن به محض این که متوجه حضور ما شد منطقه را با انواع خمپاره اندازها زیر آتش شدید قرار داد که نیروهای ما نیز بلافاصله پاسخ دادند. مبادله آتش ادامه یافت، پس از این که بازدید تمام شد به دستور فرمانده گمجن من از کانال خارج و دوان دوان خود را به ماشین رسانیدم و سوار شدم و پشت سر من نیز ایشان آمد ، هنگامیکه ایشان خواست سوار خودرو شود ، فرمانده گردان اطلاع داد یکی از عشایر در اثر اصابت ترکش خمپاره شهید گردید . بعداً که من از هویت این شهید از فرمانده گردان سوال کردم پاسخ داد، او جوانی ۱۸ ساله و تازه داماد بود هنگامیکه محتویات جیبش را صورتجلسه کردیم فقط ۶ تومان پول در جیبش بود. نام او را فراموش کرده ام . روح این شهید عزیز قرین رحمت خداوند باشد . قهرمانان واقعی این مردان بی نام و نشان هستند روحش شاد باد.

با یاد امیر والا مقام و دانشمند سرلشگر شهید ولی ... فلاحی و امیر سرافراز و جنگجو و متقی سپهد شهید علی صیاد شیرازی و امیر وطن دوست و با غیرت ارتش جمهوری اسلامی ایران سرلشکر قاسمعلی ظهیر نژاد و با درود به ارواح طیبه همه شهدای جنگ تحمیلی خدا را شاکر هستم که امروز بعد از ۲۵ سال مجدداً توانستم قلم به دست گیرم و یک نمونه از

۷۴/ عملیات تاخت گمجن عشایری

عملیات غرور آفرین گمجن عشایری که نتیجه طرح ریزی و هدایت فرماندهی وستاد گمجن، همکاری یگان های تانک، توپخانه، پدافند هوایی، توام با جسارت و سلحشوری و فداکاری عناصر هجومی تاخت است را به رشته تحریر در آورم تا در سینه تاریخ ثبت گردد. از فرمانده شجاع و عالیقدر و محبوب امیر سرتیپ محمود رستمی که مرا در تهیه این مجموعه یاری نمودند سپاسگزاری می نمایم:

جهان ماندگار است ما رفتنی به گیتی نماند به جز گفتنی

در یکی از روزهای اردیبهشت سال ۱۳۹۰، متأسفانه امیر سرتیپ محمود رستمی به دیار ابدی پیوستند.

فقدان ایشان، ضایعه بزرگی در عرصه دفاع، اندیشه و قلم نظامی کشور به وجود آورد. بزرگترین اثر ماندگار ایشان به نام «فرهنگ واژه های نظامی»، همچنان تا سالهای دراز ماندگار و باقیات صالحات خواهد ماند.
«روانش شاد»

اطلاعیه ستاد مشترک ارتش در تاریخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۳ ۷۵/

اطلاعیه ستاد مشترک ارتش در تاریخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۳

توجه خوانندگان گرامی را به اطلاعیه ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران که در صدر خط اخبار رسانه های رادیو و تلویزیون و جراید آن روز قرار گرفت جلب می نمایم:
چریک های ایران به قلب مواضع دشمن در جبهه مرزی باختران یورش بردند.

اطلاعیه شماره ۲۰۰۱ ستاد مشترک جمهوری اسلامی ایران به این شرح انتشار یافت:

بسمه تعالی

طی ۲۴ ساعت گذشته (پریروز) نیروهای اسلام در مناطق عملیاتی و شمال غرب، ضمن استمرار فعالیت های خود به منظور تحکیم و تثبیت مواضع پدافندی با گشودن آتش توپخانه بخشی از مواضع و سنگرهای دشمن را در هم کوبیدند و عملیات مهندسی قوای صدامی را در امتداد خطوط تماس دچار اختلال کردند. ضایعات وارده به دشمن در منطقه غرب انهدام یک قبضه تیر بار، دو کامیون، هشت سنگر جنگ افزار و پست دیده بانی و به آتش کشیدن یک خودروی فرماندهی بوده است. در ساعت ۶ بامداد امروز ۲۲ بهمن نیروهای دلاور و شجاع جنگ های نا منظم عشایری ما در منطقه مرزی باختران طی یک عملیات چریکی به قلب دشمن یورش برده و با زدن ضربات موثر به مزدوران بعثی عراقی سالم به پایگاه های خود مراجعت کردند. در این عملیات موفقیت آمیز حداقل ۸۰ تن از نیروهای عراق کشته و یا مجروح شدند و دو تن از آنان نیز به اسارت رزمندگان ما درآمدند. دلاوران

۷۶/ عملیات تاخت گمجن عشایری

عشایر ما موفق شدند با انهدام بیست سنگر جنگ افزار دشمن ، یک قبضه آر پی چی ۷ و سه قبضه تفنگ آنان را به غنیمت بگیرند.

درمنطقه عملیاتی آبادان و خرمشهر یگان های رزمی ما مواضع دشمن را در غرب اروند رود هدف قرار دادند که در نتیجه ۸ سنگر مختلف یک قبضه خمپاره انداز و یک قبضه تیر بار دشمن منهدم شد.روز گذشته (پریروز) بر اثر اصابت خمپاره های دشمن به یک ساختمان درآبادان خساراتی وارد آمد.

متن تقدیر نامه قرارگاه عملیاتی غرب در تاریخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۴ / ۷۷

متن تقدیر نامه قرارگاه عملیاتی غرب در تاریخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۴

متن تقدیر نامه قرارگاه عملیاتی غرب:

((بسم اله الرحمن الرحیم))

((و اعدو لهم ما استطعتم من قوه))

با هر چه در توان دارید با دشمن بجنگید

برادر سرگرد جهانگیر برادران جمیلی

بدینوسیله از دلاوریها و پایداری شما در عملیات اخیر که موفق شدید با سلاح ایمان و تکیه به مبانی قرآن کریم و دین مبین اسلام ضربه مهلکی به ارتش مزدور بعث عراق وارد آورید تقدیر میشود. امید است به یاری پیروزیها ی توانا و شما رزمندگان کفر ستیز تا نابودی کفر صدامی این پیروزیها ی چشمگیر بیش از پیش ادامه داشته باشد.

جانشین فرمانده قرارگاه عملیاتی غرب سرهنگ ستاد یعقوب علیاری

متن نامه فرماندهی گمجن به قرارگاه ستاد مشترک در تاریخ ۶۳/۱۲/۲۶

متن نامه فرماندهی گمجن به قرارگاه ستاد مشترک در تاریخ ۶۳/۱۲/۲۶

از : گمجن عشایر غرب کشور (رکن ۱)

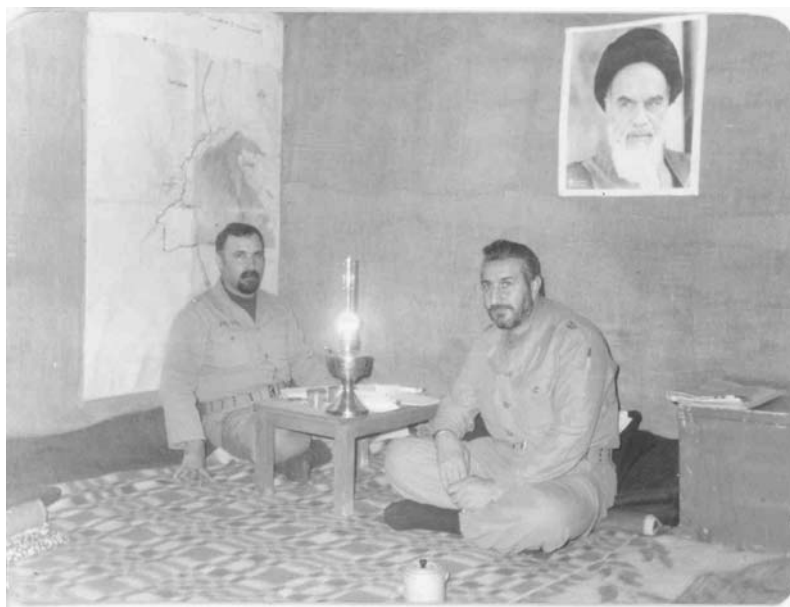
به : فرماندهی قرارگاه و پشتیبانی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

موضوع : تقدیر از سرکار سرگرد جهانگیر برادران جمیلی

ایران موجودی است الهی که هیچ چیز به آن آسیب نخواهد رساند(امام خمینی)
از سرزمین میهن اسلامی ایران سربازان و مردان بسیاری برخاسته و
هنگامی که ابری تیره در افق استقلال وطن پدیدار می گشت بیاری دیگر
هموطنان خود مردانه در رفع فتنه کوشیده و دین و ناموس و میهن خود را از
چنگال اهریمنان مصون داشته اند.

آنچه را که افسر فوق الذکر در این مدت بویژه در روز ۲۲ بهمن در مصاف
با متجاوزین عراقی انجام داده است نمونه ای کوتاه اما ارزنده و برجسته از اعمال
شبه قهرمانان قدیم است که انجام آن تنها به یاری خداوند بزرگ و ایمان تزلزل
ناپذیر امکان پذیر بوده است. رزمندگان جنگهای نا منظم عشایر غرب کشور
بویژه عشایر جان بر کف که همواره پاسدارانی شریف و مرزدارانی غیور و از جان
گذشته در برابر یورش های بیگانگان به مرزهای میهن اسلامی بوده اند به ایشان
درود می فرستند و فداکاریها و زحمات مردانه این افسر را از تلاش های شبانه
روزی در جبهه نفت شهر، سومار تا حماسه های به وجود آمده در مصاف با
متجاوزین عراقی را هرگز فراموش نخواهند کرد.

فرمانده گمجن عشایر غرب کشور : سرهنگ ستاد محمود رستمی



سنگر صداقت و ایثار، سنگر(فرماندهی گمجن) از چپ به راست : سرگرد جهانگیر جمیلی
جانشین فرماندهی - شادروان ستوانیار جعفری سرپرست عقیدتی سیاسی



آغاز عملیات ارتفاعات گاری در دشت ذهاب (بنابه توصیه سماجا ۳ ، طرح سابق تبوک ۷)
از چپ به راست : سروان امین کار - سروان جمیلی - سرهنگ ۲ رستمی - سروان شهبازیان -
گروهان دوم فرهاد خدیوی . نفر نشسته از راست ستوان زرین کام

عکس ها / ۸۳



از چپ به راست: عشیره حشمت کوه پیکر - ستوانیکم امیری - سرگرد جمیلی - عشیره نعمت کوه پیکر - نفر
نشسته اسیر عراقی ۲۲ بهمن ۱۳۶۳ نفت شهر ، سومار

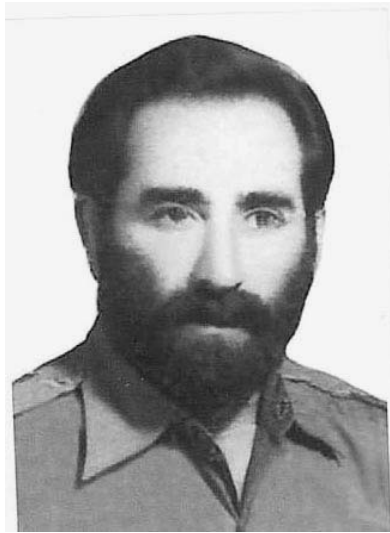


از چپ به راست : سرگرد جمیلی - ستوان یکم جلالی - عشیره پاشا رضائی - ستوان آذریون بنه گمجن
منطقه سومار



از راست به چپ نفر دوم شهید قهرمان علیزاده به اتفاق فرزند و هم رزمانش
منطقه نفت شهر سومار

هر آنکس که شد کشته ز ایران سپاه بهشت برینش بود جایگاه



شهید سید کریم احمدی : منطقه سومار ، تپه سید کریم ، سال ۱۳۶۱

عکس ها ۸۷/

گر بختد عاشقی جز در کفن
عاشقش گویم ولی بر خویشتن
(عطار)



عشیره قهرمان علیزاده ۷۵ ساله یکی از سرگروه‌های عشایری ، تاریخ و محل شهادت ۶۳/۹/۶ سنگر
فرماندهی گمجن منطقه سومار ، نفت شهر



عشیره حشمت کوه پیکر - سرگرد جمیلی - نعمت کوه پیکر تفنگ غناسه ده تیر غنیمتی پس از
عملیات ۲۲ بهمن ۱۳۶۳



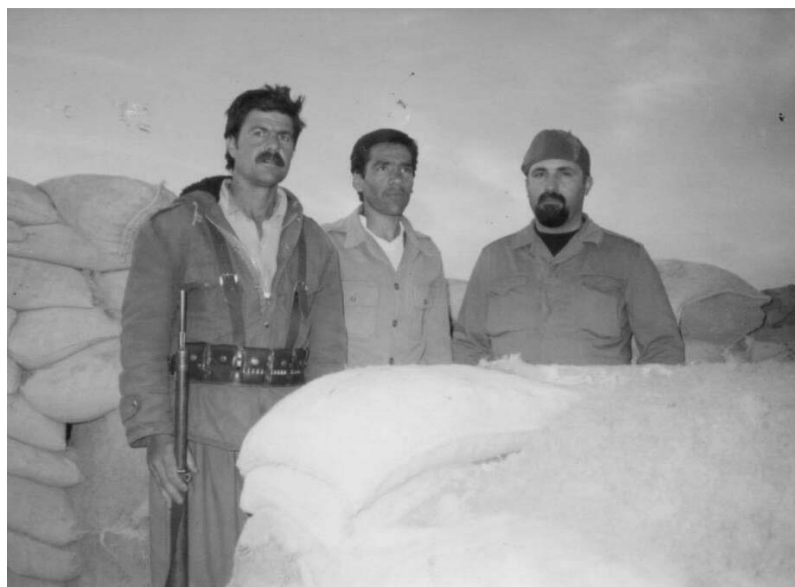
از چپ: نعمت کوه پیکر - ستوان یکم غلامرضا امیری - سرگرد جمیلی - قدرت کوه پیکر بعد از عملیات پیروز ۲۲ بهمن ۱۳۶۳ ، هر دو قبضه اسلحه سلاح اغتنامی از دشمن است



از چپ به راست نفر دوم پاشا رضائی - سرگرد جمیلی - ستوانیکم دکتر قاسمی و طرفین
دو نفر از رزمندگان گمنام عشایر کلهر و سنجابی



از چپ به راست نفر دوم حشمت کوه پیکر- سروان رخصت پناه- سرگرد جمیلی و دیگر رزمندگان
گمجن و اسرای عراقی پس از عملیات ۲۲ بهمن سال ۱۳۶۳ عشیره قدرت کوه پیکرواسیر عراقی
دست در گردن هم



سرگرد جمیلی و رزمندگان عشایر سنجابی جبهه نفت شهر، سومار سال ۱۳۶۳



از چپ به راست : سروان تاجیک افسر عقیدتی سیاسی- سروان رخصت پناه و دیگر رزمندگان گمجن و دو نفر اسیر عراقی در منطقه گردان یکم پس از عملیات ۲۲ بهمن سال ۱۳۶۳ در منطقه نفت شهر و سومار



رزمندگان گمجن قرارگاه رده عقب محور سومار از سمت چپ سرگرد جمیلی - ستوان
یکم جلالی - ستوان آذریون سال ۱۳۶۳

عکس ها / ۹۵



دشمن در سال ۱۳۶۳ منطقه را بمباران و یکی از بمب‌ها به قرارگاه رده عقب گمجن (بنه) اصابت ولی عمل نکرد.



فرمانده گمجن سرهنگ رستمی در حال توجیه رزمندگان

عکس ها ۹۷/



فرمانده گمجن در حال سوار کردن، انتقال و جابجایی نیروهای گمجن در زمستان ۱۳۵۹

عکس ها ۹۹/



فرمانده گمجن سرهنگ رستمی و هم رزمان

عکس ها / ۱۰۱



شهید بهروز الماسی سمت چپ نفر اول

عکس ها / ۱۰۳



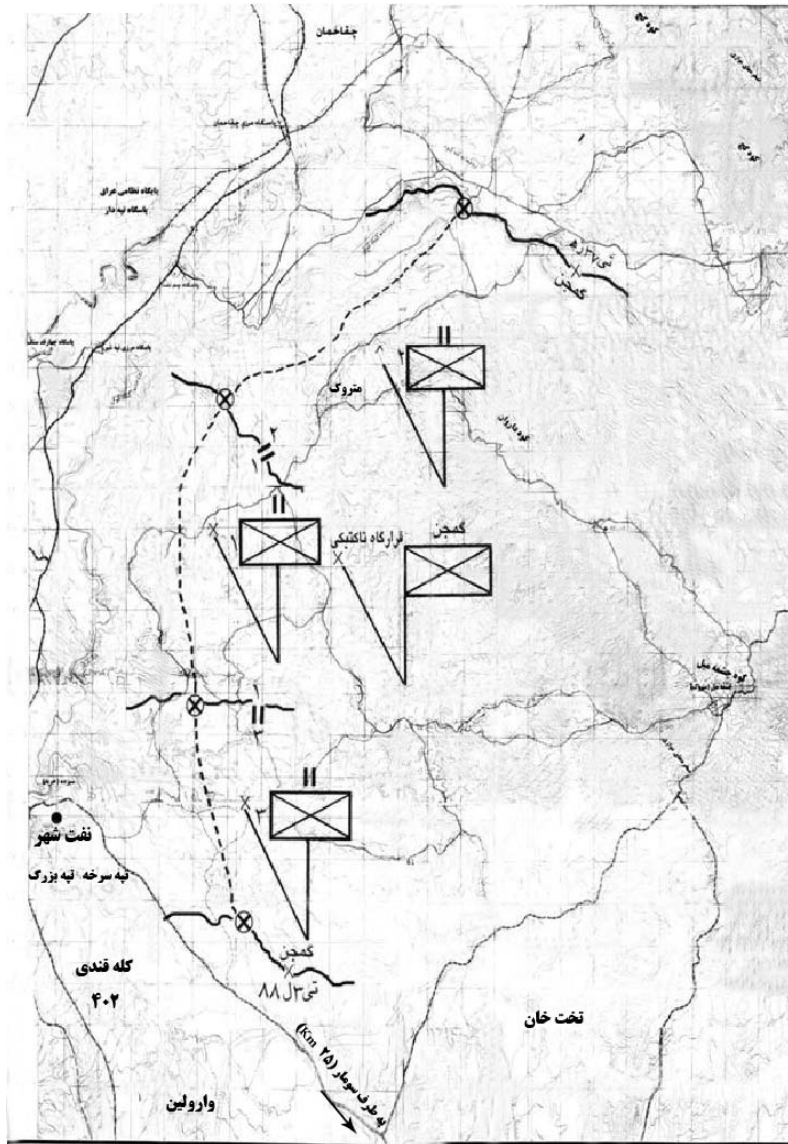
نفرات جلو ایستاده از راست به چپ : ستوان محمد قلی سلیمانی - سروان محمدرضا آمون
جمعی هوانیروز کرمانشاه و سروان نوروز زاده فرمانده گردان عشایری مأمور از سماجا

عکس ها / ۱۰۵



سومار ، تابستان سال ۶۲ ، رزمندگان گمجن عشایر

نقشه / ۱۰۷



غیور مردان رزمنده عشایر با نفوذ به مواضع دشمن ضربات کوبنده‌ای به صدامیان وارد ساختند

چریکهای ایران به قلب مواضع دشمن در جبهه مرزی باختران یورش بردند

انگلیسی شماره ۳۰۰۱ سند هفتگانه ارتش جمهوری اسلامی
ایران باین شرح انتشار یافت:

بسمه تعالی

طی ۲۴ ساعت گذشته (پریروز) نیروهای اسلام در مناطق عملیاتی و شمال
غرب دشمن استمرار فعالیت های خود به منظور تحکیم و تثبیت مواضع
پدافندی با کشتن آتش توپخانه بخشی از مواضع و سنگرهای دشمن را در
هم کوبیدند و عملیات مهندسی قوای صدامی را در امتداد خطوط تماس
دچار اختلال کردند ضایعات وارده به دشمن در منطقه غرب انهدام یک
قبضه تیر بار دو کامیون هشت سنگر جنگ افزار و پست دیده بانی و به
آتش کشیدن یک خودروی فرماندهی بوده است. در ساعت ۶ بهمداد امروز
۲۲ همین نیروهای دلاور و شجاع جنگ های نامنظم عشایری ما در منطقه
مرزی باختران طی یک عملیات چریکی به قلب دشمن یورش برده و با
زدن ضربات موثر به مزدوران بعثی عراقی سالم به پایگاه های خود مراجعت
کردند. در این عملیات موفقیت آمیز حداقل ۸۰ تن از نیروهای عراق کشته
و یا مجروح شدند و دو تن از آنان نیز به اسارت رزمندگان ما در آمدند.
دلاوران عشایر ما موفق شدند با انهدام بیست سنگر جنگ افزار دشمن،
یک قبضه از بی بی پی ۷ و سه قبضه گنگ آتان را به غنیمت بگیرند.
در منطقه عملیاتی آبادان و خرمشهر یگان های رزمی ما مواضع دشمن را
در غرب آروند رود هدف قرار دادند که در نتیجه ۸ سنگر مختلف یک قبضه
خمپاره آتان و یک قبضه تیر بار دشمن منهدم شد. روز گذشته (پریروز) بر
اثر اصابت خمپاره های دشمن به یک ساختمان در آبادان خسارتی وارد آمد

غیور مردان رزمنده عشایر با نفوذ به مواضع دشمن، ضربات کوبنده‌ای به صدامیان وارد ساختند

● در طی این عملیات موفقیت آمیز ۸۰ تن از متجاوزین صدامی کشته و زخمی شده و چندان از قوای کفر به اسارت در آمدند

● یک واحد گشتی دشمن در منطقه چزابه با آتش کفر ستیزان اسلام با تحمل تلفاتی متواری شد در صفحه ۲

نمایه

پرموزه، عشیره عسگر؛ رزمنده: ۶۳	
پرویش، عشیره قیطران؛ رزمنده: ۶۳	
ت	۱
تنگ آب؛ منطقه: ۱۱	احمدی، سید کریم؛ شهید: ۸۶
تیپ ۸۰ زرهی: ۶۷، ۱۹	ارتفاع ۴۰۲: ۶۸، ۲۳، ۲۲، ۱۸
ج	ارتفاع شترمیل: ۲۰
جلالوند: ۱۱	ارتفاع کله قندی: ۲۴، ۲۳
جلالی، ستوان؛ فرمانده قرارگاه: ۲۱،	ارتفاعات گاری: ۸۲، ۱۲
۹۴، ۴۲، ۳۴	اسدی، احمد؛ امیر: ۷۲
جمیلی، جهانگیر؛ سرتیپ دوم: ۳،	اسلام آباد؛ شهر: ۱۱
۹۴، ۹۱، ۷۹، ۷۷، ۷۰، ۱۵	الماسی، عشیره علیمراد؛ شهید: ۷۱،
جوانرود: ۱۲	۱۰۱
خ	امیری؛ ستوان یکم: ۱۵، ۲۰، ۲۸،
خامنهای، سید علی؛ آیت الله: ۱۴	۵۴، ۵۰، ۳۸، ۳۴، ۳۳، ۳۰
خسروی؛ شاه مراد، ۶۲	ایل سنجابی: ۶۵، ۵۵، ۵۳، ۳۳
د	ایل کلهر: ۷۱، ۱۷
درگه؛ عشیره: ۲۸	ب
دره سانوایا: ۲۳، ۱۸	بزمیر آباد؛ منطقه: ۱۱
	بندر گناوه؛ شهر: ۳۱
	پ
	پاشاخانلو؛ ستوان یکم: ۳۵

۱۱۲ / عملیات تاخت گمجن عشایری

دشت ذهاب؛ شهر: ۱۱، ۱۲، ۸۲

دهقان زاده؛ عشیر مردان: ۶۳

دوشمیان؛ پاسگاه: ۱۱

ر

رجبی، جلیل؛ رزمنده: ۶۲

رخصت پناه؛ سروان: ۳۴، ۳۸، ۴۰

۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۹، ۵۵، ۹۱، ۹۳

رستمی، محمود؛ سرتیپ: ۹، ۱۵

۱۷، ۴۸، ۵۹، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۷۹

۹۶، ۹۹

رضائی، مجتبی؛ سرهنگ ستاد: ۳۳

۷۱، ۷۳

ز

زابله؛ پاسگاه: ۱۱

زردلان؛ ایل: ۱۱

ژ

ژاندارمری: ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۷۱

س

سپیده دم، رضا؛ استوار یکم

شهید: ۴۹، ۷۲

سرچله؛ منطقه: ۱۱

سرفیروز آباد؛ ایل: ۱۱

سومار؛ شهر: ۱۳، ۱۸، ۲۲، ۲۸، ۵۷

۷۹، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۹۲

۹۳، ۹۴، ۱۰۵

سید جمال؛ عشیره: ۲۸

سیمین؛ ستوانیار: ۳۴، ۴۳، ۶۴

ش

شاینگان؛ منطقه: ۱۱

شریف، سید علیرضا؛ سرباز عرب

زبان: ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۷، ۴۹

۵۰، ۵۱، ۵۶، ۶۰، ۷۹

شعله ور، فیاد؛ رزمنده: ۵۴، ۶۲

شمس نیا، حسین؛ سرهنگ: ۳۲

۵۸، ۵۹

شهسواریان، محمد؛ سرگرد شهید:

۷۱

ص

صدری؛ سرهنگ، ۵۶، ۶۸

ع

عثمانوند؛ ایل: ۱۱

نمایه / ۱۱۳

کوه پیکر، حشمت؛ رزمنده: ۱۷، ۲۰،
۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۴۴، ۴۷،
۴۸، ۵۰، ۵۴، ۶۱، ۶۲، ۶۶، ۹۱

گ

گردان جیش الشعبی: ۱۹

گروهان کماندوئی: ۱۹

گمجن؛ بسیج عشایری: ۱، ۶، ۹،

۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۰،

۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۲،

۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۰، ۴۱، ۴۴، ۵۶،

۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷،

۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۹، ۸۱، ۸۴،

۸۷، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۹۹، ۱۰۵

گهواره؛ پاسگاه: ۱۱، ۱۲

گوران؛ ایل: ۱۱

گیسکه؛ ارتفاع: ۱۲

گیلانغرب؛ شهر: ۱۱، ۱۲، ۷۱

ل

لشکر ۳۰ گرگان: ۱۲

لشکر ۵۸ ذوالفقار: ۱۵

لشکر ۸۱ زرهی: ۱۱، ۱۲، ۱۴

لشکر ۸۸ زرهی: ۱۹

علوی، کاوه؛ سرباز شهید: ۷۲

علیاری، یعقوب؛ شهید: ۵۸، ۷۰، ۷۷

علیزاده، عشیره قهرمان؛ شهید: ۱۷،

۴۷، ۴۸، ۴۹، ۷۲، ۸۷

عملیات والفجر ۳: ۱۳

ف

فلاحی، ولی الله؛ سرلشکر شهید:

۷۳

فیروزی، حسن؛ سرباز وظیفه شهید:

۷۲

ق

قارگاه غرب: ۱۲، ۱۳، ۲۰، ۴۴، ۵۶،

۶۴، ۷۲

قلاجه؛ شهر: ۱۱

قلخانی؛ ایل: ۱۱، ۱۲

قله ۱۰۰۸ بازی دراز: ۷۲

قیطران پروانه؛ رزمنده: ۴۷، ۶۱

ک

کرمانشاه؛ شهر: ۱۱، ۱۴، ۱۰۳

کهنتری؛ سرهنگ: ۴۴

کهنه ریک؛ ارتفاع: ۱۸

۱۱۴ / عملیات تاخت گمجن عشایری

م

ماهی دشت؛ ایل: ۱۱

محمدی؛ ستونیار: ۳۴, ۴۸, ۵۶, ۶۵

محمودی، آراین؛ غیر نظامی شهید:

۷۲

محور نفت خانه؛ مندلی: ۱۸

مسلم ابن عقیل؛ تیپ: ۱۹

مهرآوران، نوراسه؛ شهید: ۷۲

میر آباد؛ شهر: ۱۱

ن

نجاری؛ ستوان: ۳۴, ۴۱

نفت شهر؛ شهر: ۱۳, ۱۸, ۲۰, ۲۸

۴۷, ۶۷, ۶۸, ۷۳, ۷۹, ۸۳, ۸۵

۸۷, ۹۲, ۹۳

نوهده؛ تیم عملیاتی: ۱۴, ۱۷

و

ولد بیگی؛ ایل: ۱۱

ولی زاده؛ عشیره اکبر: ۶۳



Amaliat Takhte Gomjan

Jahangire Jamili

**War Cognizance Committee Of
Martyr Lieutenant General Ali Sayyad Shirazi**